

رویکرد تحلیلی محتوایی بر توصیفات تاریخی منظر ورودی ابنیه عبادی با تکیه بر مبانی فرهنگ اسلامی^۱

حسنا ورمقانی^۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۲/۲۷

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۸/۲۴

چکیده

ابنیه عبادی در شهرهای تاریخی ایران از عناصر بنیادین ساختار شهری و فرهنگ اسلامی به شمار می آید. ساختار کالبدی این بناها و الگوهای شکلی و کارکردی هر یک از اجزای این ساختار، نتیجه دخالت عوامل متعددی چون تفکرات و اعتقادات مذهبی، آموزه‌های دینی و مفاهیم عمیق معنوی است. مقاله حاضر با هدف آشکارسازی و جوه ارتباط میان «مبانی فرهنگ اسلامی» و «ویژگی‌های کالبدی و کارکردی منظر ورودی ابنیه تاریخی عبادی»، در پی پاسخ‌گویی به یک پرسش اصلی است: مبانی فرهنگ و تعالیم اسلامی چگونه بر نما و منظر و کارکردهای ورودی ابنیه تاریخی عبادی تاثیر گذاشته است؟ روش پژوهش، تحلیل محتوا و روش گردآوری داده‌ها کتابخانه‌ای است؛ به طوری که از طریق قیاس معارف و مفاهیم اسلام مستخرج از متون دینی با متون تاریخی توصیف‌گر ابنیه عبادی، علل معنایی و محتوایی و شیوه‌های شکل‌دهی به ساختار ورودی کاربری‌های مذکور مورد تحلیل قرار می‌گیرد. جهت تعیین شاخص‌های پژوهش ضمن مطالعه متون تخصصی، نظریه شهر اسلامی مورد استفاده قرار گرفته است. شاخص‌های سیزده‌گانه پژوهش پیرامون سه مولفه کلی شامل حقایق الهی، آموزه‌های دینی و اصول شهرسازی و معماری اسلامی معین شده است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که، منظر ورودی ابنیه تاریخی عبادی دارای ویژگی‌های کالبدی و کارکردی متعدد بر گرفته از مبانی فرهنگ اسلامی بوده است که در سه زیربخش معنا (وحدانیت- قداست- تنزیه و خلوص- تکریم طبیعت)، کارکرد (هدایت‌گری- تامین امنیت و آرامش روانی- حفظ ارزش‌های اجتماعی- اهمیت وقف- تکریم انسان) و کالبد (استحکام و پایداری- نقش و خط- زیبایی و فرح‌بخشی) قابل تحلیل است.

واژه‌های کلیدی: فرهنگ اسلامی، ابنیه عبادی، شهر اسلامی، منظر ورودی، ابنیه تاریخی

اماکن مذهبی مهم ترین تجلی ویژگی های فرهنگی و هنری جهان اسلام به شمار می آیند و از میان جزء فضاهای این اماکن، ورودی، همواره از اهمیت بسیار بالایی برخوردار است؛ زیرا «اولین جز از فضای آیینی است که می تواند علاوه بر کارکرد سازه ای و عملکردی، انتقال دهنده معانی و مفاهیم قدسی نیز باشد» (سلطان زاده، ۱۳۹۰: ۱۵). در این نوع معماری، ورودی به عنوان تجلی گاه مفاهیم معنوی و عرفانی پدیدار شده و در انتقال معانی به مخاطب نقشی برجسته ایفا می نماید. «این جز، بخش مهمی از بنا را تشکیل می دهد و اهمیت آن، گاه تا بدان جا افزایش می یابد که گویی مجموعه به دو بخش تقسیم شده است: ورودی و باقی ساختمان» (نوایی و حاجی قاسمی، ۱۳۹۱: ۳۰). نوشتار حاضر با قایل شدن اولویت برای اصول و آموزه های دین در شکل دهی به ساختار کالبدی و کارکردی اماکن مذهبی، ابتدا، این اصول و آموزه ها را با تفحص در متون دینی و هم چنین، بازتاب این آموزه ها را در معماری و شهر اسلامی جستجو می کند. سپس، جنبه های این تاثیر پذیری را در معنا و کالبد ابنیه تاریخی از طریق بررسی تاریخ های محلی، شرح حال ها و سفرنامه ها در بستری تاریخی پی می گیرد. نتایج پژوهش، چگونگی بازتاب فرهنگ اسلامی در نما و منظر ورودی ابنیه دینی کهن را از طریق بازخوانی توصیفات تاریخی این ابنیه در قیاس با سه مولفه اثرگذار در معماری دینی، شامل توجه به صفات الهی، آموزه های عام اسلامی و اصول شهرسازی و منظر اسلامی روشن می سازد. هدف پژوهش آشکارسازی و جوه ارتباط مبانی فرهنگ اسلامی و منظر کالبدی/کارکردی ورودی ابنیه تاریخی عبادی است. هم چنین، مقاله حاضر بر آن است که، به تبیین اصول و راهبرد کسب هویت ایرانی اسلامی در منظر شهری بپردازد. پرسش های

پژوهش عبارتند از: ۱) کدام ویژگی ها در ورودی ابنیه تاریخی عبادی، مشخص کننده مبانی فرهنگ و تعالیم اسلامی است؟ ۲) این مبانی فرهنگی چگونه بر نما و منظر و کارکردهای ورودی تاثیر گذاشته است؟

روش پژوهش

پژوهش با شناخت ابعاد فرهنگ اسلامی در دو دسته منابع، شامل متون دینی و متون تخصصی معماری و شهرسازی اسلامی آغاز شده و پس از استنتاج شاخص های پژوهش، به انحای مختلف بروز آن در وجوه معنایی و کالبدی ابنیه تاریخی در دیدگاه معاصران ساخت بناها می پردازد. از آن جاکه مساله اصلی، حول اصول و آموزه های فرهنگ اسلامی است، در پی وصف اماکن مذهبی تاریخی، متون کهن، سفرنامه ها و تاریخ های محلی مورد خوانش قرار گرفته و توصیفات که در خصوص ویژگی های عملکردی، کالبدی و فضایی کاربری های عبادی است، به لحاظ ارتباط با فرهنگ اسلامی تحلیل شده اند. پژوهش از حیث هدف، کاربردی است؛ زیرا تلاش دارد با استفاده از ادبیات موضوع، به یکی از دغدغه های معماری و منظر شهری، یعنی موضوع بازپرداخت به معنا و روح حاکم بر کالبد و فضای معماری و از این طریق، کسب هویت ایرانی اسلامی در منظر شهری بپردازد. هم چنین، در پژوهش، از روش تحلیل محتوا استفاده شده است؛ با استفاده از منابع کتابخانه ای و تکیه بر نظریه شهر اسلامی و اصول و مولفه های آن، به استخراج مقولات متعدد و سپس، دسته بندی در ۱۳ شاخص از سه مولفه اصلی (جدول ۲) پرداخته شده و سرانجام تحلیل این مبانی در توصیفات تاریخی و مصادیق معماری انجام شده است. در راستای دریافت پاسخ پرسش پژوهش، چهار دسته منابع مورد استناد قرار گرفت که در جدول ۱ مختصرا ارایه شده است.

جدول ۱. شیوه انتخاب متون بر مبنای هدف‌گذاری پژوهش (نگارنده).

نوع منابع	محتوای منابع	دسته‌بندی منابع		گردآوری داده‌ها
		الف/۱	الف/۲	
متون دینی پیرامون آیات، روایات، معارف اسلامی	مبانی فرهنگ اسلامی (وجوه معنایی)	الف/۱	منابع الف: فرهنگ اسلامی	
مقالات/کتب/متون تخصصی معماری و شهر اسلامی	ویژگی‌های معماری، منظر و شهر اسلامی (کالبد)	الف/۲	اسلامی	
سفرنامه‌های سیاحان ایرانی و اروپایی	توصیف وجوه عینی/حسی منظر ورودی ابنیه	ب/۱	منابع ب: ابنیه تاریخی	
تاریخ محلی/شرح حال/سفرنامه‌های ایرانیان	توصیف وجوه ذهنی با پیش‌آگاهی فرهنگی/دینی	ب/۲		

پیشینه پژوهش

وسیع کلمه با حقیقت هستی و حقیقت آدمی پیوند ناگسستنی دارند. رحمتی زاده و همکاران (۱۳۹۸)، در مقاله «نقش محیط و فرهنگ در شکل‌گیری آرامگاه‌های دوره اسلامی در حاشیه جنوبی دریای خزر» در بررسی تاثیر محیط و فرهنگ بر شکل‌گیری آرامگاه‌های دوره اسلامی حاشیه جنوبی دریای خزر، عوامل فرهنگی شامل باورها و آداب مذهبی و عرف جامعه را در تمایز شکلی آرامگاه‌های گیلان و مازندران موثر دانسته‌اند. شهبازی شیران و همکاران (۱۳۹۹)، در مقاله «تاثیر اندیشه‌های فرقه حروفیه بر انتخاب برخی از مضامین کتیبه‌های مسجد کبود تبریز» نمای بدنه‌های داخلی و خارجی مسجد کبود تبریز را با توجه به کتیبه‌های موجود در آن شامل آیات و سوره‌های قرآنی، آیات مقطعه و اسما الهی بررسی کرده و تاثیر تفکرات فرقه حروفیه را بر مضامین کتیبه‌نگاری تبیین نموده‌اند. در بررسی خصلت‌های کالبدی و معنایی ورودی مساجد، عباسی و همکاران (۱۴۰۰)، در مقاله «مطالعه مقایسه‌ای سلسله مراتب ورودی مساجد جامع عباسی و سید اصفهان از منظر نظام تناسبات هندسه ایرانی در پلان» به بررسی نظام تناسبات هندسی موثر در شکل‌گیری اجزا و روابط حاکم بر ساختار پلان فضای ورودی دو نمونه از مساجد تاریخی در اصفهان پرداخته و شباهت‌هایی را از جنبه کاربرد نظام تناسبات هندسه ایرانی در عین بهره‌از خلاقیت معمارانه در طرح‌اندازی بخش ورودی هر دو نمونه تشخیص داده‌اند. ورمقانی (۱۴۰۰)،

تاکنون پژوهش‌های متعددی درباره رابطه معماری و فرهنگ اسلامی^۱ و بررسی خصلت‌های کالبدی و معنایی ورودی مساجد^۲ انجام گرفته است. در خصوص رابطه فرهنگ اسلامی و ساختار ورودی آثار معماری نیز تحقیقات محدودی انجام شده است؛ اما پژوهشی که مشخصاً ارتباط فرهنگ اسلامی و شکل و فضای ورودی ابنیه عبادی را مورد توجه قرار دهد و در این زمینه بر توصیفات تاریخی تکیه نموده و به دسته‌بندی مقولات موجود در این زمینه بپردازد، صورت نگرفته است. درباره رابطه معماری و فرهنگ اسلامی، نرج‌آبادی و همکاران (۱۴۰۰)، در مقاله «بررسی تطبیقی معناشناختی نشانه‌های معماری محلات قدیمی و معاصر از منظر اندیشه اسلامی و از دیدگاه ادراک شهروندان (نمونه موردی محله شتربان و رشديه تبریز)» تفاوت معنای ادراکی نشانه‌های معماری محله‌های مسکونی را از منظر فرهنگ اسلامی حاصل طرح‌واره‌های ذهنی و الگوهای فضایی سکونت سنتی و معاصر تشخیص داده‌اند؛ به طوری که نشانه‌های محلات سنتی واجد کارکرد مذهبی و نشانه‌های محلات معاصر دارای عملکرد مادی است. زارع و همکاران (۱۴۰۰)، در مقاله «خوانشی بر بازخوانی وحدت در هنرهای بومی سنتی میبد مبتنی بر مفاهیم هنر اسلامی» نمود وحدت را در هنرهای بومی سنتی مبتنی بر مفاهیم هنر اسلامی مورد بازخوانی قرار داده و استدلال می‌کنند که این هنرها در صورت و محتوا به معنای

در مقاله «رویکردی تحلیلی بر خصلت دعوت‌گری مساجد معاصر بررسی موردی: مساجد تهران» در بررسی دعوت‌گری مساجد معاصر تهران نتیجه می‌گیرد، آن چه بر پذیرندگی مساجد تاثیر می‌گذارد، مجموعه مطلوبی از عوامل کالبدی تا معنایی موثر بر تقویت حضور فرد و اجتماع است که در مقیاس شهری، مقیاس محلی، جداره‌های خارجی و منظر ورودی و فضای درونی مساجد دسته‌بندی می‌شود. نوری و عینی‌فر (۱۴۰۰)، در مقاله «تحلیل کیفیت فضای مابین مسجد و شهر مطالعه مقایسه‌ای ورودی مساجد منطقه‌ای سنتی و مدرن معاصر تهران» ورودی مساجد منطقه‌ای معاصر تهران را از جنبه کیفیت فضای مابین مسجد و شهر مورد مقایسه قرار داده و استدلال می‌کنند که در طراحی اکثر مساجد معاصر به جای به‌روز شدن مبانی معنوی نهفته در الگوهای سنتی، کارایی عبادی و اجتماعی مسجد عمدتاً، به کارکردهای روزمره تقلیل یافته است. مومنی و همکاران (۱۳۹۹)، در مقاله «بازشناسی هویت فرهنگ اسلامی در معماری نماهای ورودی مطالعه موردی: خانه‌های بافت قدیم دزفول» بازتاب فرهنگ اسلامی در معماری نماهای ورودی خانه‌های بافت قدیم دزفول را از طریق بررسی نماها در سه بخش شامل رخ‌بام، دیواره و بدنه بنا، درگاه و کتیبه مورد توجه قرار داده و نتیجه گرفته‌اند که خانه‌های فرادست در ساختار نمای ورودی از عناصر هویتی بیش‌تری نسبت به خانه‌های فرودست استفاده کرده‌اند. نوآوری پژوهش حاضر، رجوع به منابع تاریخی در تبیین کیفیت ورودی ابنیه عبادی مقارن با عصر کارکرد آن‌ها و تحلیل محتوایی دریافت‌های تاریخی با تکیه بر مبانی فرهنگ اسلامی با نگاه به آیات، اخبار و احادیث اسلامی است.

چارچوب نظری

فرهنگ اسلامی و معماری ورودی

فضای ورودی در طراحی اندیشمندانه معمار ایرانی، همواره از امتیاز خاصی برخوردار بوده است؛ زیرا علاوه بر کارکرد اصلی به عنوان فضای مفصل، از لحاظ بصری و ادراکی نیز فضای رابط بین یک بنا با فضای شهری و معیاری در تشخیص هویت فرهنگی

و اجتماعی بوده است. در اماکن مذهبی، این فضا از اهمیت فزون‌تری برخوردار است؛ زیرا این‌گونه ارتباطی بین شهر و معماری، مکان نمادینی است که ارزش‌های فرهنگ اسلامی، اعتقادات ساکنان شهر، آموزش دینی و صفات شهر اسلامی از طریق آن بازنمایی می‌شود. بر همین اساس، طرح ورودی اهمیت می‌یابد، اجزای متعدد پیدا می‌کند و این اجزا در مراتب و ترکیب‌های حساب‌شده‌ای قرار می‌گیرند. در طرح ورودی، بدنه خارجی اهمیت دارد؛ این نما می‌تواند تاحدی حقایق نهفته در آموزه‌ها و اصول دین را از راه پرداختن به خطوط و نقوش کتیبه‌ها و یا در ارتفاع، تناسبات و مراتب نمایان کند. تزیینات نه تنها از نظرگاه هنر دینی، بلکه بنا بر مفاهیم آیات و روایات و مضامین عبارات و اشعار نقش یافته بر کتیبه‌ها حاوی آموزه‌های اعتقادی، احکام و اصول اخلاقی، مفاهیم عرفانی، توصیفات تاریخی و حتی تکالیف فقهی است.

ابعاد فرهنگ اسلامی در شکل دهی به منظر

نقش فرهنگ اسلامی در شکل دهی به منظر معماری و شهر را می‌توان در سه حوزه حقایق، آموزه‌ها و اصول مورد بررسی قرار داد. در نظریه شهرسازی اسلامی بیان گردیده که: «آیات قرآن، قواعد کلی شهر اسلامی را شکل داده و احادیث پیامبر (ص)، اصول اساسی ارزش‌های فرهنگی و اجتماعی شهر مسلمانان را تعیین می‌کند که در فرم مادی پدیدار گشته است» (نقی‌زاده، ۱۳۸۵ الف: ۹۵؛ بهرامی‌نژاد و کابلی، ۱۳۹۸: ۳۲). منظور از نظریه شهر اسلامی مبحثی گسترده است که از سوی اندیشمندان و محققان در تبیین صفات شهر اسلامی، ارزش‌ها و اصول آن شکل یافته و در برخی پژوهش‌های معاصر مورد استناد قرار گرفته است. حقایق، آموزه‌ها و اصول در ذیل مورد بحث قرار خواهد گرفت:

ب) حقایق فرهنگ اسلامی: در اسلام حقایقی

مفهومی در همه حوزه‌ها به‌ویژه هنر، معماری و حتی در حوزه‌های مرتبطی چون منظر شهری وجود دارد که در ایده‌های طراحان انعکاس یافته است. صفات الهی، حقایق قطعی، کلی و غیروابسته به مجموع شرایط زمانی و مکانی است که بدون اراده و انتخاب انسان محقق می‌شوند

و می‌توانند الگوهای با ماهیت حقیقی باشند که ساختارها را در حوزه‌های مختلف انسانی تشکیل می‌دهند (نقره‌کار و معین‌مهر، ۱۳۹۹: ۶۴). صفات الهی چون وحدانیت، قداست، تنزیه و هدایت‌گری از اصلی‌ترین صفات شهر اسلامی است (نقی‌زاده، ۱۳۹۴: ۵۹-۶۱).

ب) **آموزه‌های فرهنگ اسلامی:** رفتارهای فردی و اجتماعی مسلمانان همواره، متأثر از آموزه‌های دینی است که در مناسبات اجتماعی تظاهر می‌یابد. یکی از مهم‌ترین این آموزه‌ها که در قرآن مجید از آن به‌عنوان «صفت شاخص شهر اسلامی» (طهرانی، شریعت پناهی و اسدیان، ۱۳۹۹: ۴۹۵) یاد شده، امنیت و آرامش است؛ اصلی که به‌عنوان پیش‌شرط برقراری روابط اجتماعی محسوب می‌شود. مقوله دوم، کرامت انسان است؛ این مفهوم که در قرآن کریم بر آن تأکید شده، مبنای اصلی حقوق و آزادی‌های بشر است و به‌نوع شناختی که اسلام از انسان و جامعه‌ارایه می‌دهد، بستگی دارد. تعالیم اسلامی، یادآور این نکته بنیادین است که «تماس با طبیعت و تفکر در آن، حس تکریم را در انسان پدید آورده و او را به‌سوی شناختی آگاهانه‌تر به حقایق اسلام رهنمون خواهد کرد» (نقره‌کار و معین‌مهر، ۱۳۹۹: ۵۹). هم‌چنین در محیط اسلامی، زیبایی به‌عنوان جزئی از فطرت پاک انسانی، چه به‌معنای زیبادوستی و چه زیبا‌آفرینی، هم در فضا و کالبد شهر و هم در تعاملات اجتماعی تعریف شده است که در میان شهروندان از عوامل مهم و فزاینده در تغییر رفتار آن‌ها است. «زیبایی و فرح‌بخشی در تقویت معنای نهفته در هر کالبد و ایجاد قالب برای هر محتوا می‌تواند راهنما باشد» (ممانی، یاری و حقیر، ۱۳۹۷: ۴۰).

ج) **اصول شهرسازی و منظر اسلامی:** شهر اسلامی شهری است که بر مبنای فرهنگ اسلامی شکل یافته و احکام اسلامی در آن جاری باشد. عامل مسلط در الگوی شهر اسلامی دین اسلام بوده و تمامی جوانب و شاخص‌های زندگی اجتماعی

و کالبدی شهر مبتنی بر دین، نظام و هویت می‌یابد (طهرانی، شریعت پناهی و اسدیان، ۱۳۹۹: ۵۰۲). شهر اسلامی شهری است که بر اساس مبانی، اصول و آموزه‌های قرآن و روایات بنا شده باشد (درویشی و داودی، ۱۳۹۹: ۱۱۲). اصولی که می‌باید در طراحی منظر شهری اماکن عبادی مدنظر قرار گیرد؛ از سویی، با شاخصه‌های شهر اسلامی و از سوی دیگر، با طراحی معماری در ارتباط است. در حوزه شهری، حفظ ارزش‌های اجتماعی اسلام و توجه به وقف، به‌عنوان مهم‌ترین اصول، شناخته شده و در حیطه معماری و سیما و منظر آن، سه مقوله استحکام و پایداری، عناصر شاخص منظر اسلامی و پیام معنوی آرایه‌ها در زمره اصول شاخص ذکر شده‌اند (سلطان‌زاده، ۱۳۹۶: ۵۱). در اجرای معماری و طرح منظر آن، توجه به پیام‌های فرهنگی اهمیت دارد؛ چراکه هدف اسلام ایجاد محیطی برای تکامل انسان است. یک معمار مسلمان می‌داند خداوند متعال صاحب جلال و اکرام بوده و در عین حال جمیل است و جمال را دوست دارد؛ هم‌چنین، اعتقاد دارد هدف از زندگی دنیوی، بازگشت به‌سوی خداوند و رسیدن به کمال است. بر این مبنای منظر اسلامی را بر سه پایه جمال، جلال و کمال استوار می‌کند. همین امر موجب می‌گردد که در طرح سیما و منظر ابنیه عبادی، مواردی چون پیام معنوی آرایه‌ها و کاربرد عناصر شاخص منظر اسلامی و نیز استحکام و پایداری بنا مورد تأکید قرار گیرد. هم‌چنین، در شکل‌دهی به منظر و فضای ورودی این اماکن، حفظ ارزش‌های اجتماعی و اجد اهمیت است. «اسلام دینی است که بنیان خود را بر اجتماع نهاده و در هیچ شأنی از شئون بشری، مساله اجتماع را مهم‌نگذاشته است» (طباطبایی، ۱۳۸۹: ۱۴۸). نهاد وقف، شاخص دیگری است که اثرات عمیقی بر شکل‌دهی ساختار شهری مسلمانان داشته و سبب شکل‌گیری منظر اسلامی است (کشانی و سجادی‌زاده، ۱۳۹۹: ۳۵). بررسی متون دینی و نیز متون تخصصی معماری و شهرسازی مقولات متعددی را به دست می‌دهد که در پژوهش حاضر ذیل سه مولفه کلی و ۱۳ شاخص دسته‌بندی شده است. مقولات مستخرج از مبانی پژوهش مختصراً، در جدول ۲ آرایه شده است.

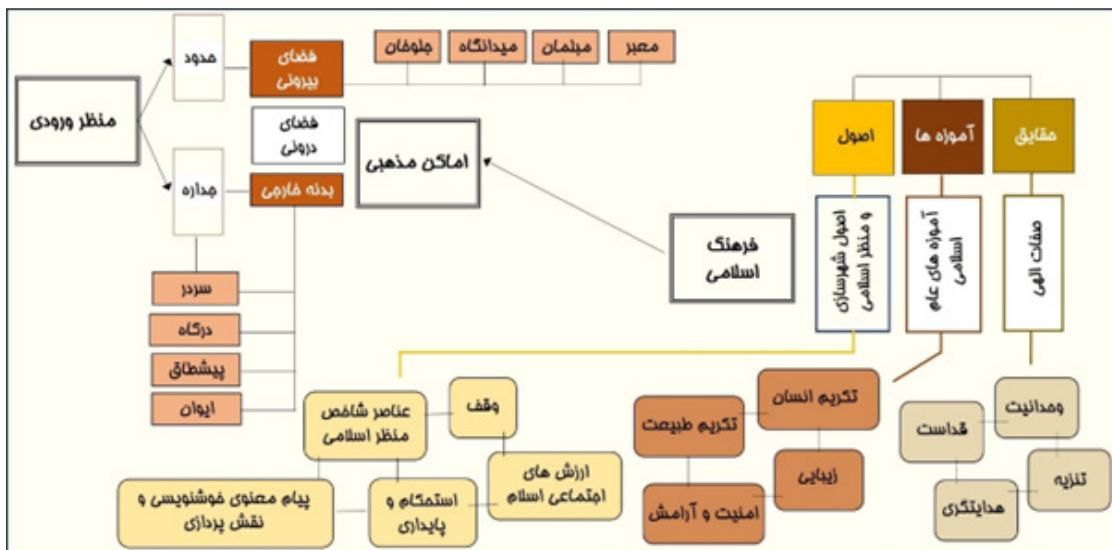
جدول ۲. مقولات مستخرج از مبانی مورد توجه در فرهنگ و معماری و شهرسازی اسلامی (نگارنده).

زیرشاخص‌ها (برمبنای منابع الف/۱ و الف/۲)		شاخص
توکل و تسلیم/عبودیت و عبادت/خدا محوری/ابدی و ازلی/بندگی/توحید/	معنا	وحدانیت
مرکزیت معنوی/مکان‌یابی ابنیه عبادی/شهر بندگی/شهر توحید/سازمان‌بندی مرکز گرایانه فضا	کالبد	
پاکی و طیب/تجلی خدا در شهر/نور الهی/حقیقت‌مداری/حکمت/فضایل اخلاقی	معنا	قداست
شهر پاکی/متذکر بودن عناصر و پدیده‌ها/بهره‌گیری از نمادها و نشانه‌ها/شهر تقوی	کالبد	
نمایش ارزش‌ها/ذکر و یاد خدا/اعتلاجویی/بصیرت/صداقت/عبادت/	معنا	تنزیه و خلوص
درون‌گرایی/شهر شکر/شهر ذکر و تفکر/اصالت فضای تهی/سادگی/توازن/شهر نظم/	کالبد	
اصلاح‌گری/شهر هدایت، شهر خدا/غایت‌شناسی/معادباوری/امامت و ولایت/	معنا	هدایت‌گری
جهت‌گیری به سوی قبله/علایم و نشانه‌ها/سلسله‌مراتب/القا جهت واحد/محوربندی فضایی	کالبد	
جایگاه والای انسان/ارعایت عدالت/تفکیک جنسیتی/حریم شخصی/حقوق شهروندی/	معنا	تکریم انسان
آزادگی مطلوبیت دسترسی پیاده/منع اشراف دیداری و شنیداری/گسترش مسیرهای پیاده	کالبد	
حفاظت طبیعت/ضرورت حفظ منابع/تجلی بهشت آسمانی/توجه به طبیعت و عظمت الهی	معنا	تکریم طبیعت
تکمیل طبیعت با شهر/شهر در باغ/معماری طبیعت‌گرا/عناصر طبیعی موقوفه	کالبد	
برپایی مراسم آیینی/نظارت اجتماعی/حجاب/ارجوع به سرشت طبیعت/	معنا	امنیت و آرامش روانی
کارکرد دفاعی شهر/محصوریت/هویت اسلامی/مفهوم حریم/محله محوری/آسایش صوتی بصری	کالبد	
حیات‌بخشی/زیبادوستی/سرور و بهجت/نشاط و انبساط/طراوت و تنوع/رشد و تعالی انسان	معنا	زیبایی و نشاط
زیباآفرینی/تجلی جمال و جلال الهی/کاستن از زندگی ماشینی/مطلوبیت فضا/شهر سالم	کالبد	

بازتاب آموزه‌های عام اسلامی

الگوهای نظم اجتماعی / آداب همزیستی / عدالت اجتماعی / همبستگی اجتماعی / تساوی / اخوت	معنا	اهمیت وقف
شهر احسان / روابط همسایگی / رعایت معبر / رعایت ارتفاع بنا /	کالبد	
هویت دینی / ارزش های اعتقادی /	معنا	حفظ ارزش های اجتماعی اسلام
نشانه های بارزش / تشخیص مسجد در محله / ارتفاع ابنیه مذهبی / مسجد جامع و مسجد محله ای	کالبد	
همبستگی و انسجام / هویت اجتماعی / پای بندی به تکالیف / همبستگی اجتماعی	معنا	استحکام و پایداری
ماندگاری و پایداری فضاهای شهری موقوفه / به هم پیوستگی از درون / ارتباط جز و کل	کالبد	
رمزپردازی و نمادگرایی / بازتاب زیبایی الهی / حقایق باطنی اسما الهی / زبان رمزی / بازتاب طبیعت	معنا	پیام خوش نویسی و
صور توحیدی / سازمان بندی مرکز گر ایانه نقوش / صور تنزیهی اسلمی و ختایی و آرایه های هندسی	کالبد	نقش پردازی

با توجه به مرور ادبیات و در راستای شکل دهی به ساختار پژوهش ، مدلی طرح گردید که در شکل ۱ معرفی شده است .



شکل ۱- جنبه های مورد مطالعه اثرگذاری فرهنگ اسلامی بر ورودی اماکن مذهبی (نگارنده).

بر مبنای مدل پژوهش و با تکیه بر معیارهای مستخرج از ادبیات پژوهش ، بازتاب مفاهیم فرهنگ اسلامی در اسناد و توصیفات تاریخی مورد تحلیل قرار گرفته است . به عبارت دیگر ، با توجه به رویکرد تاریخی پژوهش ، به تحلیل محتوای متون در راستای بازشناسی کارکرد معنایی منظر ورودی اماکن عبادی در شهر سنتی پرداخته خواهد شد .

بازتاب فرهنگ اسلامی بر ورودی اماکن مذهبی

بازتاب صفات الهی

وحدانیت

در نگاه توحیدی، انسان و عالم هستی، تجلی خداست و انسان خلیفه الله نامیده می شود؛ لذا محیط نیز بنا بر رابطه وی با خالق تعریف می گردد. در شهر سنتی بارزترین جلوه وحدت و یگانگی در بدو ورود به ابنیه عبادی از طریق کتیبه سازی و پرداختن به نقش و رنگ در نمای خارجی حاصل می شود. منظر خارجی این اماکن را معمولا، به شکلی زیبا می آراستند و «آن جبهه از بدنه جلوخان که ورودی بنا در آن قرار داشت از بهترین طراحی و تزئین برخوردار بود» (سلطان زاده، ۱۳۹۰: ۶۶). محور مرکزی اسلام، احدیت و وحدانیت است، ولی هیچ تصویری قادر به بیان آن نیست (بورکهارت، ۱۳۸۱: ۱۳۱). بر این مبنا در ساخت مسجد که مهد یادآوری خداست، از هر چه موجب توجه به غیر معبود و گرایش به آن است پرهیز می شد (جوادی آملی، ۱۳۹۷: ۵۶۵) و هیچ نماد و جلوه ای در این مکان مقدس به کار نمی رفت که شایان تفسیر به شرک، تجسم و تجسد باشد (دلواله، ۱۳۹۲: ۸۵). مطابق توصیه پیامبر گرامی اسلام (ص) مساجد را نباید به زر و زینت آراست؛ چنان که یهود و نصارا کنیسه های خود را آراستند (نوری طبرسی، ۱۳۶۹: ۳۷۲-۳۷۱). کتیبه های سردر با مضمون قرآنی و اسما الهی بیشترین جایگاه را در تزیینات داشت. این کتیبه ها که حاکی از اظهار ایمان و اعتقادات مسلمانان بود، اغلب با خط ثلث در فضای بیرونی و درونی بنا نوشته می شد (ممانی، یاری و حقیر، ۱۳۹۷: ۴۱). طرح ها و نقش های سردر نیز جلوه ای از صفات الهی در طراحی منظر ورودی است. در بسیاری موارد، شمشه شش پر، منقوش در ورودی است که نماد «انوار حاصل از تجلیات الهی، حقیقت نور خدا و ذات احدیت است» (سجادی، ۱۳۹۳: ۳۷۴). شش نماد اعتدال و هماهنگی، عشق و زیبایی است (کوپر، ۱۴۰۰: ۱۷۲). نمایش مضامین اعتقادی بر بدنه بناها دلیل بر محوریت تفکر توحیدی در طرح محیط اسلامی است. به عنوان مثال، در کتاب مرآه البلدان، علت نقش صورت هایی بی چشم بر کاشی های دیوار حیاط عمارت منشی الممالک، حرام بودن رسم تصاویر در مذهب اسلام دانسته شده است (اعتماد السلطنه، ۱۳۶۸: ۱۰۵).

قداست

مفهوم قداست در شکل دهی به محیط کالبدی اسلامی، همواره با پاکی و زاینده گی آب همراه بوده و یکی از دلایل تقدس آن، فضیلت تزکیه و تطهیرکنندگی است. بر همین مبنا در منظر شهر اسلامی، در راستای تحقق صفات الهی و به خاطر «پرهیز از تجسم و تجسد خداوند» (نقی زاده، ۱۳۸۵: ۴۰)، نمایش پاکی و قداست آب در قالب حوض، آب نما و حرکت آبشاری شکل می یابد که تاکید بر ویژگی معنوی آن بوده است. این طریقه منظرپردازی عمدتا، در فضای شهری متصل به ابنیه عبادی کاربرد داشته است. نمونه های متعدد توصیف ورودی به همراه چشمه یا حوض آب مقابل آن وجود دارد که از آن به عنوان مظهر پاکی و قداست یاد شده است. سدیدالسلطنه در توصیف قدمگاه حضرت سلمان به حوضی اشاره می کند که سلمان فارسی در آن بدن شسته است (سدیدالسلطنه، ۱۳۹۳: ۳۹). راولینسون در راه شوشتر به اصفهان از مقبره دانیال در کنار رودخانه شاپور (راولینسون، ۱۳۶۲: ۸۴) و مقبره دانیال اکبر در مقابل استخری از سنگ مرمر و چشمه ای با تعداد زیاد ماهی طلایی رنگ مقدس (همان: ۱۰۹) یاد می کند. دوبد نیز به حضور آب مقابل امامزاده اشاره کرده است: «در بقعه امامزاده ای زیر سایه چنارهای زیبا توقف کردم که نزدیک آن حوضی پراز ماهی بود» (دوبد، ۱۳۸۹: ۲۱۶). در حدیثی از رسول خدا آمده است مظاهر را در ورودی مساجد قرار دهید که اشاره بر حوض آب جهت وضو و تطهیر دارد (محمدی ری شهری و خوش نصیب، ۱۳۹۳: ۱۲۷). هم چنین، در کلام پیامبر اسلام (ص) و امام صادق (ع) نگاه به آب جاری مایه روشنی چشم و شادابی چهره است (ابن بابویه، ۱۳۸۱: ۹۲ و ۲۳۷). ۳۷ آیه از قرآن کریم نیز به توصیف چشمه های جاری و نهروهای روان در زیر درختان باغ های بهشتی اختصاص دارد (محمد: ۱۵؛ بروج: ۱۱؛ حدید: ۱۲؛ رعد: ۳۵؛ بقره: ۲۵).

تنزیه و خلوص

از آن جاکه اصل تنزیه، هرگونه تجسم صورت الهی را نفی می‌کند، کاستن از ماده، نفی تزیینات، سادگی و فضای خالی، مظهر تنزه و تعالی پروردگار و حضور او در تمامی اشیا است. این فضای تهی در مدخل ورودی مساجد، در مرکز توجه قرار دارد. ورودی‌ها در ساده‌ترین حالت، حداقل یک سردر مشخص، یک در مدخل و یک دهلیز نسبتاً طویل دارند و در کامل‌ترین نمونه، این سلسله‌مراتب از تنوع فضایی بیش‌تری برخوردار است و معمولاً، «از هفت جز تشکیل می‌یابد: جلوخان، پیش‌طاق، درگاه، هشتی، دالان، ایوان و ساباط» (سلطان‌زاده، ۱۳۹۰: ۱۱). گاه، تنوع فضایی در مسیر حرکت از بیرون به درون و کار بست سلسله‌مراتب به حداقل رسیده؛ ورود به ساده‌ترین شکل ممکن صورت می‌پذیرفت. این نوع دسترسی نشان از خلوص در ارتباط با پروردگار است. در این ورودی‌ها، معانی از طریق سادگی در دسترسی منتقل گشته و برای به حداقل رساندن عناصر مادی از تقسیم ورودی به جزء‌فضاها پرهیز شده است. دوبد با توصیف آرامگاهی به این نکته اشاره می‌کند: «نزدیک مدخل غار، مزاری از تخته‌سنگ‌های سفید مرمر مسطور به خط عربی دیده می‌شد. تک‌درخت بیدی در پای این یادبود دورافتاده روئیده بود. آن جا اشیای خارجی کم‌تر فکر را منحرف می‌سازد و دل انسان در نزدیکی به خدا آزادی بیش‌تری احساس می‌کند» (دوبد، ۱۳۸۹: ۱۰۸). در چنین محیطی، مجالی برای تغییر حالت و تغییر مکان به‌نحو پیوسته موجود نیست و انسان با گذر از درگاه به‌ناگاه خود را در مقابل ابدیت محض یافته و بی‌آن‌که گرفتار سلسله‌مراتب خاصی باشد به تامل و عبادت می‌پردازد. ارتفاع اندک ورودی در این حالت سبب القای خلوص و سادگی و تداعی انزوا و جدایی از فضای اطراف و یکی شدن با بنا در مقابل عظمت و ابهت آن است. سادگی و خلوص بنا یادآور ذات پروردگار و دعوت‌گر مخاطب به حضور و پرستش معبود است. از سویی، طبیعت که جنبه کالبدی و مادی کم‌تری را به مخاطب القا می‌کند، می‌تواند مظهری برای صفت تنزیه باشد. هم‌جواری زیارتگاه و طبیعت در بخش عمده‌ای از توصیفات، این نتیجه را دلالت می‌کند. از آن جمله توصیف دوبد از امام‌زاده‌ای بر فراز تپه و نزدیک به گذار رودخانه است

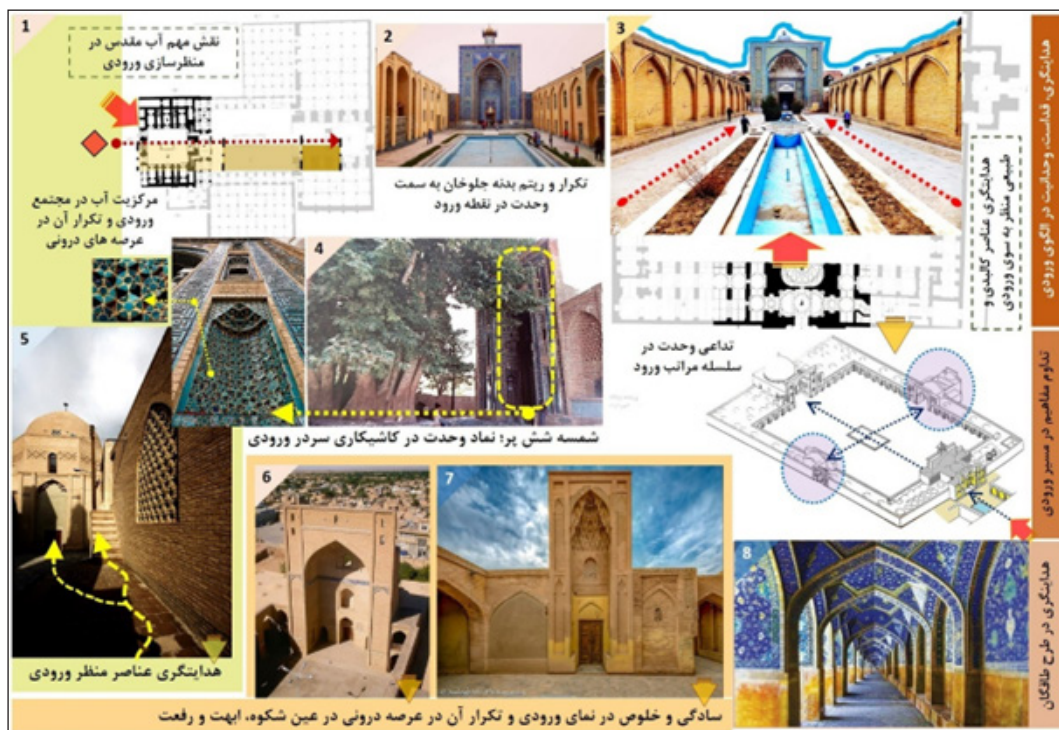
(همان: ۲۴۷). به عقیده‌ی آداب برگزاری نیایش در مکان‌های بلند از کهن‌ترین و عمومی‌ترین شیوه‌های پرستش با ریشه‌های عمیق در میان ملل خاورزمین به‌شمار می‌آید (همان: ۱۹۱). ظرافتی که از طریق سادگی به وجود می‌آید زیبایی معبود را در کنار منزه‌بودن وی از هر تشبیهی قرار می‌دهد و از این طریق انتقال مفاهیم قدسی را با بیان خاص خود میسر می‌گرداند. توصیف صفاء السلطنه از امام‌زاده‌ای در یزد این معنی را منتقل می‌کند: «امام‌زاده قاسم ابن عباس با آن‌که خالی از حُلل و زیور است، خیلی باشکوه و عظمت به نظر می‌آمد» (صفاء السلطنه، ۱۳۸۲: ۴۶). این سادگی از توصیف بروگش در مسیر دسترسی از کوچه‌های تنگ به سردر هلالی شکل ورودی مسجد بزرگ شهر قمشه نیز استدلال می‌شود (بروگش، ۱۳۸۹: ۱۷۳). سادگی زیارتگاه‌ها خصلتی است که توجه بسیاری از سیاحان را به خود جلب کرده است. امام‌زاده عقیل قوام‌آباد در توصیف سدیدالسلطنه فاقد گنبد و بارگاه بر دامنه کوهی مرتفع و دور از آبادی (سدیدالسلطنه، ۱۳۹۳: ۵۸) و دو امام‌زاده قصبه زرقان، کوچک و محقر با بقعه کم‌ارتفاع و گلین و متصل به قبرستان زرقانی‌ها شرح داده شده است (همان: ۵۴). هم‌چنین، دوبد امام‌زاده‌ای را در نزدیکی کوه به شکل برج چهارگوش مخروطی‌ای وصف کرده است (دوبد، ۱۳۸۹: ۱۶۵).

هدایت‌گری

هیلن برنند از پیام هدایت‌گری در ورودی مساجد یاد می‌کند: «درگاه ورودی محل دیگری است که بر خورد پیچیده‌تری با آن می‌شود و معانی نمادین را به خوبی می‌توان دریافت. درگاهی بسیار عقب‌نشسته مخاطب را به درون فرامی‌خواند و استقبال می‌کند» (گنون، ۱۳۷۹: ۵۴). پوپ نیز درباره مسجد امام اصفهان می‌نویسد: جلوخان - که خود تقریباً، ساختمانی است - با حالتی دعوت‌کننده، جمعیت بیرون را به پناه، امنیت و تجدید قوا فرامی‌خواند و کاملاً، بر میدان مسلط است و در تضاد با کاخ برازنده شاهی، برتری خیره‌کننده دین بر قدرت دنیوی و اهمیت اساسی دین را در زندگی شهر نشان می‌دهد (پوپ، ۱۳۸۸: ۲۱۷). در توصیفات تاریخی و ابنیه کهن موجود، نقش مهم آب مقدس و مرکزیت آن در منظرسازی ورودی

شهر و معماری نیز در جهت توجه به طبایع آدمی طراحی گردد، بر مطلوبیت آن بسیار موثر است (الهی قمشه‌ای، ۱۳۸۷: ۳۲). این ویژگی در منظر فضای ورود به بسیاری مساجد، زیارتگاه‌ها و خانقاه‌ها قابل‌بازشناسی است. چنان‌چه جلوخان ورودی خانقاه شیخ ابوسعید برای نیشابوریان در توجه به نیازهای ساکنان شهر، همواره پذیرای بسیاری از مردم بود: «خانقاه شیخ در قلب حیات شهری نیشابوریان؛ با حجره‌ها و دکان‌ها (محمدبن منور، ۱۳۹۳: ۷۰) و مسجد (همان: ۱۲۳) و گرمابه‌ای در کنار و در نزدیکی‌اش و جلوخانی مفرح در پیش آن

(شکل ۲-۱) به همراه سایر عناصر وحدت‌بخش منظر از قبیل تکرار و ریتم بدنه‌های جلوخان (شکل ۲-۲) و گاه، چیدمان محوری عناصر کالبدی منظر و نقش هدایت‌گری آن‌ها به سمت ورودی عبادت‌گاه (شکل ۲-۳ و ۲-۵) و یا عرصه‌های داخلی ابنیه عبادی (شکل ۲-۸) مورد توجه قرار گرفته است. علاوه بر آن، تزیینات هندسی و گیاهی نمادین در قالب‌های کاشی و آجر (شکل ۲-۴) و در برخی ابنیه، سادگی تزیینات و نمای ورودی (شکل ۲-۶ و ۲-۷) انتقال‌دهنده مفاهیم شکوه، خلوص، عظمت، وحدت و بازتاب صفات الهی است.



شکل ۲- بازتاب صفات الهی در طراحی منظر ورودی اماکن عبادی: ۱. مسجد ملا اسماعیل یزد، ۲. مسجد جامع کرمان، ۳. مسجد النبی قزوین (نگارنده). ۴. خانقاه شیخ عبدالصمد نطنز (نوایی و حاجی قاسمی، ۱۳۹۱: ۲۷). ۵. حسینیه باب‌المسجد نایین (نگارنده). ۶. مسجد جامع اردستان (URL3). ۷. مسجد جامع نایین (URL2). ۸. مسجد امام اصفهان (نگارنده).

بازتاب آموزه‌های عام اسلامی

تکریم انسان

انسان و شئون او از خداوند نشأت می‌گیرد و به سوی او بازگشت خواهد نمود (بقره: ۱۵۶). در تعالیم اسلام، پس از مساله خدا، انسان محوری‌ترین مساله بوده و آفرینش جهان برای دستیابی او به سعادت است (بهرامی نژاد و کابلی، ۱۳۹۸: ۳۰). نام‌های دو سوره انسان و الناس دلیل بر این اهمیت است. چنان‌چه

(همان: ۱۳۲ و ۱۳۴): شیخ آن جامی نشست و پیران پیش شیخ نشست و جوانان صف زده می‌ایستادند و آن موضع بانزهدت و گشاده و خوش بود» (همان: ۷۹). این چنین، ورودی خانقاه باز زندگی روزانه مردم درمی‌آمیخت. در تبعیت از مفهوم تکریم انسان بهشتی (واقعیه: ۲۵)، منظر اسلامی به مثابه تمثیلی از بهشت قرآنی، جایگاه احترام و تکریم مومنان بود.

زیبایی

مقوله مهم در ایجاد امنیت و آرامش روانی، توجه به عناصر زیباساز منظر شهری است. در شهر ایرانی، طراحی مناظر عبادی در محل درگاه ورودی - که محل حضور و مکث مخاطب است - به اوج می‌رسید. این طراحی ویژه با ایجاد تجملی مخاطب دوست، باعث القای حس پذیرش و اشتیاق برای حضور در این مکان می‌شد؛ به علاوه این تزیینات جو تفکر و تأمل را برای نیایش ایجاد می‌کرد. زیبایی و هدایت‌گری ورودی در مسجد امام اصفهان از سوی مولف سفرنامه به سوی اصفهان چنین وصف شده است: «درب عظیم مسجد هم چون لجه سحر آسای آبی‌رنگی مرا به سوی خود جلب می‌کند. سردر ورودی که ابعادش زیاد و مانند طاق نصرت است، کاملاً، به وسیله کاشی‌کاری تزیین یافته و انعکاس‌های مختلفی از الوان به چشم می‌خورد» (لوتی، ۱۳۹۷: ۱۹۹). در جای دیگر در ذکر زیبایی طرح‌ها و نقش‌های ورودی مسجد قدیمی شیراز «بارنگ‌های سبز و مینایی در میان کتیبه‌های بزرگ مذهبی» (همان: ۱۰۸) و زیبایی مسحورکننده درگاه مسجد روستای کوچک ایزدخواست (همان: ۱۶۶) نشان می‌دهد علی‌رغم تنوع گسترده در نحوه پرداختن به ورودی‌ها، الگوهای نسبتاً مشابه در طرح و نقش و تمهیدات زیباشناسانه وجود داشته است: «در سراسر ایران درهای بزرگ مساجد و مدارس دارای الگوی واحد است. به این ترتیب که طاق بیضی شکل عظیمی سراپا از آجر وجود دارد و هیچ افزارکاری تزیینی، که خطوط ساده و بی‌آرایش آن را از یک نواختی خارج سازد، مشاهده نمی‌شود؛ اما همه سطح آن یک‌سره از میناهای زیبا و گوناگونی پوشیده شده است» (همان: ۱۱۴). براون از زیبایی گنبد‌های آبی‌رنگ دو امام‌زاده و منظره جالب و متمایز آن‌ها از چشم‌انداز دروازه غربی شهر یاد می‌کند (براون، ۱۳۹۵: ۱۰۳). ابن جوزی، دروازه بسیار رفیع خانقاه بوسعد را وصف کرده که به خاطر بلندای بسیار، امکان ورود شترسواران را نیز فراهم می‌نمود (ابن جوزی، ۱۴۱۲: ۲۳۵). مک‌گرگر تنها بنای زیبا و قابل ملاحظه شهر شیراز را دو مسجد با گنبد‌هایی از کاشی آبی‌رنگ ذکر کرده است (مک‌گرگر، ۱۳۶۹: ۴۴). صحن و بنای وسیع و مجلل بارگاه حرم حضرت معصومه (س) توجه سیاح ژاپنی را به خود جلب کرده (ماساهارو،

نقاط‌گذار و فضاهای مکث با توجه به نیاز کاربران و احترام به آنان طراحی می‌شد؛ به شکلی که زمینه چالش در این موارد به حداقل می‌رسید. منابع دیگر نشان می‌دهد که، در اواخر دوره تیموری، ورودی اماکن مذهبی از چنان اهمیتی برخوردار شد و چنان توسعه و گسترش یافت که در هیئت «مجتمع ورودی» ظاهر شد که بخشی مستقل از بنا و در جلوی مجموعه بزرگی از اتاق‌ها در اطراف حیاط مرکزی قرار داشت؛ توسعه کامل آن به صورتی است که در یک ضلع هشتی ورودی، به شکل مسجد و به طور متقارن در ضلع دیگر به منزله مجلس استفاده می‌شد (اوکین، ۱۳۸۶: ۵۳). کاربرد مجتمع ورودی بازتابی از کاربرد چند نقشی آن‌هاست؛ یکی از فضاها در طرف هشتی به صورت شبستان و فضای دیگر، شامل حیاطی با چند حجره برای طلاب و سالکان بوده و یا نقش درس‌خانه یا جماعت‌خانه را داشته است (همان: ۵۲). بر فراز درگاه خانقاه ربع رشیدی دو سراچه ساخته شده بود. یکی، جهت نگهداری لوازم و مواد غذایی و دیگری، جهت خلوت متولی یا پذیرایی وی از مهمانان که آن را روضه‌الحیات می‌نامیدند (فضل‌الله، ۱۳۹۳: ۱۹۶-۱۹۷). سازمان فضایی این مجموعه بر گسترده‌گی دستگاه مفصل ورودی اشاره دارد. بخش اصلی ربع رشیدی به شکل روضه یا باغ و باقی آن از دو قسمت تشکیل شده بود. قسمت اول با کارکرد مذهبی، آموزشی و درمانی و قسمت دوم، خدمات عمومی شامل حمام، حوض‌خانه، سراستان و دهلیز بزرگ متصل به دروازه ربع رشیدی است (همان: ۴۳). از دیگر نمونه‌ها، آرامگاه میر روزه‌دار در بلخ است که به شکل گنبدخانه‌ای هشت‌ضلعی به انضمام مجتمع ورودی مستطیل شکل بوده است (اوکین، ۱۳۸۶: ۴۸۵). مزار مرحوم ملاحسن فیض جایی باصفا توصیف شده که در آن جا جمعیت گرد آمده و مجلس می‌گرفتند و آبی از جنب آن جاری بود (صفاء السلطنه، ۱۳۸۲: ۸۶). دوبد مدخل مقبره دانیال را ایوان مسقف وسیعی توصیف می‌کند که مناسب استراحت و صرف غذا بوده است (دوبد، ۱۳۸۹: ۳۶۲). شین‌جو خیابان منتهی به مرقد امام هشتم را با ردیف درختان توت و بید بلند و کوتاه در دو سوی جویباری پاکیزه شرح می‌دهد که با دکاکین فروش میوه و لوازم زندگی، مردمی از اقوام و ملل گوناگون را در خود جای داده بود (شین‌جو، ۱۳۹۳: ۶۴).

۱۳۹۱: ۱۴۹) و هم‌چنین، زیبایی نمای سردر خارجی و کاشی‌کاری مصلی مشهد از سوی گِرگُر مورد توجه قرار گرفته است (مک‌گِرگُر، ۱۳۶۹: ۲۵۵). در سفرنامه اصفهان در وصف زیبایی مسجد میدان‌گاه نزدیک حصار شهر شیراز، به ایوان بزرگ قرمز رنگ زیر پوشش مینایی رنگ قدیمی اشاره رفته است (لوتی، ۱۳۹۷: ۹۲). زیبایی گنبد بزرگ شاهزاده حسین طبس و حیاط عالی با تالار و طاق‌ها با وسعت و شکوه شایسته (صفاء السلطنه، ۱۳۸۲: ۴۱) و درخشندگی و شکوه مسجد و زیبایی و جذابیت آستانه حضرت معصومه (لوتی، ۱۳۹۷: ۲۵۷) از گزارشات شرح زیبایی نمای ابنیه عبادی است.

امنیت و آرامش روانی

آیات متعددی بر این نکته تأکید دارند که ایمان و پذیرش پیام الهی، امنیت بخش است (یونس: ۶۲؛ طه: ۲۱؛ نمل: ۱۰؛ قصص: ۲۵). امنیت اجتماعی مناظر عبادی، همواره از شاخصه‌های مهم کالبد شهر سنتی است. صفاء السلطنه از وجود امنیت در حوالی مسجد قریه آب‌شور در بجنستان خبر می‌دهد و تصریح می‌کند در این مکان، «امنیت به حدی است که زوار و قوافل، زاد و راحله را بر سر راه ریخته، به اطمینان می‌خوابند» (صفاء السلطنه، ۱۳۸۲: ۳۵). در بسیاری موارد چندین کاربری مذهبی در جوار یک دیگر احداث شده و ورود به آن‌ها از طریق صحن مشترک انجام می‌شد که بر محصوریت و امنیت می‌افزود. سدید السلطنه مسجد سعید بن جبیر را مسجد کوچکی می‌داند که دروازه آن در صحن امامزاده باز شده و مجموعه آرامگاهی معروف به سنبلستان در همین مکان قرار داشته است (سدید السلطنه، ۱۳۹۳: ۸۳-۸۴). در جای دیگر، از وجود بقعه دو امامزاده و یک توحیدخانه در محوطه‌ای در بازار سبزوار خبر می‌دهد (همان: ۲۰۵-۲۰۶). اوکین، ایوان ورودی شاهزاده عبدالله در هرات را مقابل مسجد کوچکی مرکب از دو گنبدخانه توصیف می‌کند (اوکین، ۱۳۸۶: ۴۷۹). اسفزاری از مزار شیخ زین‌الدین تایبادی و جماعت‌خانه پیر احمد خوافی در محوطه‌ای واحد سخن‌گفته است (اسفزاری، ۱۳۳۹: ۲۱۹). در تمثیل بهشت‌گونه مساجد، حدیثی از پیامبر (ص) قابل ذکر

است که بهشت را با هشت در توصیف نموده و اشاره به محصور بودن و امنیت و آرامش در آن است (مجلسی، ۱۳۸۶: ۱۲۹). توصیف اوکین از فضای بیرونی مسجد جامع شهر بجنستان بر این محصوریت تأکید دارد: «مسجد ظاهر دژمانندی دارد و درون ساختمان را چندان آشکار نمی‌سازد؛ برجسته‌ترین ویژگی نما آن که، فقط از یک جهت قابل رویت است» (اوکین، ۱۳۸۶: ۲۷۹). ریچاردز نیز صحن مسجد را تنها قسمتی از بنا می‌داند که هنگام عبور از خیابان و بازار می‌توان مشاهده نمود (ریچاردز، ۱۳۹۰: ۲۴). بنابراین توصیفات، معماران جهت نمایاندن بیش تر فاصله کیفی بیرون و درون، گره ارتباطی را بغرنج تر نموده و استقلال بیش تری به فضای درونی بخشیده‌اند. ورودی به عنوان واسط میان بیرون و درون به‌گونه‌ای طرح می‌شود تا از یک سو تمایز میان دو بخش را حفظ کند و از سوی دیگر آن دو را به یک‌دیگر پیوند دهد. ورودی هم فرد را دعوت می‌کند و هم ورود به حریم مستقلی را به او هشدار می‌دهد. ورودی مرز مشخصی است که ماهیت‌های متفاوت بیرون و درون، آشنا و غیر، حلال و حرام، پاک و ناپاک، عالی و پست، و دین و دنیا را از هم مجزا می‌کند. برای نیل به این هدف، طرح ورودی اهمیت می‌یابد، اجزای متعدد پیدا می‌کند و این اجزا در مراتب و ترکیب‌های حساب‌شده‌ای قرار می‌گیرند.

تکریم طبیعت

طبیعت، تجلی ذات حق و اسما الهی است؛ به طوری که نظر و اندیشه در آن، ذکر حق را پدید می‌آورد (طباطبایی، ۱۳۸۹: ۱۳۶). در روایات نیز نگر بستن به طبیعت، مایه شادابی و شکوفایی (جوادی آملی، ۱۳۹۷: ۱۱۲) و حقیقت طبیعت عین ظهور و تجلی ذات حق دانسته شده است (مطهری، ۱۳۸۶: ۹۷۵). هم‌چنین، قرآن بیان صفات و اسمای الهی و طبیعت، تجلی آن صفات و اسما است. بنابراین، نظاره و اندیشیدن در طبیعت، ذکر دائمی حق را پدید آورده و صاحبان آن در هیچ حالی خدا را فراموش نمی‌کنند (طباطبایی، ۱۳۸۹: ۱۳۶). احداث اماکن عبادی در جوار مناظر طبیعی، نماد محیط اسلامی شمرده شده و یادآور مومنان است

(نقی‌زاده، ۱۳۸۵: ۶۸). تلاش برای استفاده نمادگرایانه از طبیعت در غالب اماکن دینی در کنار درخت‌های چنار کهن و چشمه‌های آب و یادرون باغ‌ها یادآور باغ‌های بهشتی و ستایش حق تعالی بوده و روحی معنوی در محیط و منظر اسلامی ایجاد می‌نمود. در توصیف قدمگاه نیشابور آمده است: «در قدمگاه باغات بسیار و اقسام فواکه فراوان و در فضای بقعه اشجار توت و درخت چنار ستبر و کهن سال زیاد است. جوانب اربعه بقعه، چهار حوض و قریب بقعه، چشمه آب گوارا است که حضرت رضا (ع) در آن جا وضو گرفته‌اند» (سدیدالسلطنه، ۱۳۹۳: ۲۰۹). ابن بطوطه مسجد قریه فیلان را روی رودخانه‌ای عظیم توصیف می‌کند که اطراف آن را باغ‌ها فرا گرفته است (اشراقی، ۱۳۷۹: ۱۹). لوتی از وجود ساختمان‌های گنبدواری در باغ آرامگاه حافظ‌خبر می‌دهد که برای نماز و عبادت مردم احداث شده بود (لوتی، ۱۳۹۷: ۱۱۰). هم‌چنین، بقعه امام‌زاده عزیز بر فراز تپه‌ای مشرف به باغ‌های اوین و درکه در جای باصفا و خوش‌منظری توصیف شده است (حسینی بلاغی، ۱۳۸۶: ۱۷۴). صفاءالسلطنه نیز عناصر آب و گیاه پیرامون مسجدی چهارطاقی بر لب آب شور را شرح می‌دهد (صفاءالسلطنه، ۱۳۸۲: ۳۵). او در وصف محیط پیرامون بقعه حاجی عبدالوهاب نایینی و حاجی محمدحسن یزدی در نایین، آن را برخلاف زمین‌های بایر مانده اطراف، مشجر گزارش کرده (همان: ۷۱) و هم‌چنین، مدرسه و حسینیه حاجی علی‌نقی خان وکیل در طبرس را به علت دارا بودن چهار باغچه نارنجستان و چند نخل ممتاز، معمور و بارو دانسته است (همان: ۱۱). به علاوه بارگاه مبارک حضرت معصومه (س) را درون اراضی باغی معروف به بابلان ذکر می‌کند (همان: ۹۲). به گزارش لوتی، در میان مساجد و گورستان‌های آرام و ساکت حوالی شیراز، سروهای سیاه و باغ‌های نارنج کاشته شده است (لوتی، ۱۳۹۷: ۱۰۹). ماساجی اینووه گزارش می‌کند که معبر مقابل بقعه شاه عبدالعظیم (ع) در میان باغ‌های میوه با درختان انبوه و مملو از انبوه‌زایران و بوی خوش باغ و بوستان بود (اینووه، ۱۳۹۰: ۱۵۴). در دو فرسنگی جنوب حورین، آرامگاه‌های دروایش با گنبد‌های سفید و بلند توصیف شده که در میان باغ‌های میوه قرار داشته‌اند (راولینسون، ۱۳۶۲:

۱۴). استارک، امام‌زاده‌ای را در بین تعدادی درخت بر سطح سرخ‌رنگ کوه‌گرین (استارک، ۱۳۶۶: ۵۱) و دوبد، قبه مخروطی سفیدرنگ امام‌زاده بابا احمد را محاط در نی‌ها و علف‌های بلند و تعدادی چشمه زلال وصف کرده که در میان جمع درختان خرما سر برآورده است (دوبد، ۱۳۸۹: ۲۳۴). صنیع‌الدوله صحن مسجد جامع نیشابور را دارای قنات و چندین درخت معرفی کرده (اوکین، ۱۳۸۶: ۵۸۲) و بنجامین منظره تماشایی گنبد امام‌زاده‌ای را توصیف کرده که شاخه‌های یک درخت کهن چنار از هر طرف آن را فرا گرفته است (بنجامین، ۱۳۹۱: ۵۹). بقعه امام‌زاده اسماعیل تهران درخت چنار کهنی داشته که اکنون شاخه‌های متعدد آن هر کدام درختی شده است (حسینی بلاغی، ۱۳۸۶: ۱۷۳). چنار کهن سال مجاور بقعه امام‌زاده صالح شاید در قدمت در کشور ایران بی‌نظیر باشد و خود از آثار تاریخی مهم تهران محسوب می‌شود (همان: ۱۷۲). سدیدالسلطنه چنار کهن سال قطوری را در شمال امام‌زاده اسماعیل معرفی می‌کند که دور ساقه آن تقریباً بیست قدم بوده است (سدیدالسلطنه، ۱۳۹۳: ۷۶). مهرداد بهار در اشاره به تقدس درختان در ایران، هم‌نشینی رمزآمیز آرامگاه متبرک امام‌زادگان با آب و درخت را واقعیتی تامل‌برانگیز می‌داند (بهار، ۱۳۹۸: ۲۶۱) که می‌توان آن را با وصف بهشت در قرآن برای پرهیزگاران در ارتباط دانست. عناصر طبیعت به عنوان آیات الهی، خدا را متذکر می‌شوند (نقی‌زاده، ۱۳۸۵: ۷۱). لذا، برقراری تعادل میان معماری و طبیعت پیرامون به‌گونه‌ای که منابع زمین، آب و پوشش گیاهی متوجه کم‌ترین آسیب‌گردد، نشانه احترام به طبیعت پیرامون به‌شمار می‌آید (همان: ۶۸). در آیات متعدد، بهشتیان بالبسه سبزرنگ، تکیه زده بر بالش‌های سبز، در سایه درختانی توصیف شده‌اند که از شدت سبزی سیه‌گون شده‌اند (الرحمن: ۷۶ و ۶۴: الانسان: ۲۱). درختانی چون انار، خرما، زیتون، موز و انجیر در قرآن کریم مورد اشاره قرار گرفته (الرحمن: ۶۸: التین: ۲ و ۱: واقعه: ۲۹) که استفاده نمادگرایانه از آن‌ها مومنان را به یاد باغ‌های موعود و ستایش حق تعالی می‌اندازد. امام‌کاظم (ع) سه چیز را مایه روشنی چشم می‌داند: نگاه به سبزه، نگاه به آب جاری و نگاه به چهره زیبا (ابن بابویه، ۱۳۸۱: ۹۲).



شکل ۳- بازتاب آموزه‌های عام اسلامی در طراحی منظر ورودی اماکن عبادی: ۱. باغ مصلی نایین (نوابی و حاجی قاسمی، ۱۳۹۱: ۳۳۵). ۲. جلوخان ورودی مسجد جامع قزوین (نگارنده). ۳. حسینیه باب المسجد نایین (URL4). ۴. مسجد جامع طبرس (صفاءالسلطنه، ۱۳۸۲: ۱۹۸). ۵. سردر شرقی مسجد امام بروجرد (نگارنده). ۶. مسجد بالامحله محمدیه نایین (نگارنده).

بازتاب اصول شهرسازی و منظر اسلامی اهمیت وقف

بر پایه سنت تاریخی، بیش‌تر بناهای دینی مانند مسجد، مزار، خانقاه و حسینیه از طریق نهاد وقف ساخته می‌شد (سلطان‌زاده، ۱۳۹۲: ۴۶). وقف نه تنها موجب ساخت بسیاری از ابنیه باارزش بوده، بلکه پیوند معنوی موقوف با امور دینی سبب ماندگاری فضاهای شهری موقوفه در طی زمان شده است (کشانی و سجادزاده، ۱۳۹۹: ۳۷). کمپفر در دوره شاه سلیمان صفوی می‌نویسد تنها در اصفهان که پایتخت است و شهری باشکوه و بزرگ به شمار می‌رود، حدود یک صد موقوفه وجود دارد و این به جز موقوفات جزیی و متفرقه است (کمپفر، ۱۳۶۰: ۱۳۴). تاورنیه در همین زمان تأمین بخش عمده نیازهای مدارس دینی را وابسته به میزان وقفیات نهادهای آموزشی دانسته است (تاورنیه، ۱۳۹۰: ۴۲). شاردن نیز در دوره شاه عباس دوم گزارش کرده است هر مدرسه‌ای که بنا می‌شود، مواردی از املاک و مستغلات را وقف آن

پیامبر اسلام (ص)، امیر مومنان (ع) و امام صادق (ع) نیز نگاه به سبزه را مایه شادابی و شکوفایی می‌دانند (جوادی آملی، ۱۳۹۷: ۱۱۲). نور خداگاه در درخت بر انسان تجلی می‌کند (قصص: ۲۸) و یا به درختان قسم یاد می‌شود (التین: ۲۱) که نشانه جایگاه رفیع این عنصر در نظام جهان بینی اسلامی است. تکریم طبیعت در محوطه ورودی اماکن مقدس، آرامگاه‌ها و مساجد (شکل ۳-۱ و ۳-۲)، به کرات در توصیفات تاریخی مورد توجه قرار گرفته است. هم‌چنین، تکریم و توجه به نیازهای انسانی (شکل ۳-۲) از جمله امنیت و آرامش (شکل ۳-۳)، آسایش و راحتی (شکل ۳-۳ و ۳-۶)، اجتماع مسلمانان (شکل ۳-۴) و نیز زیبایی منظر (شکل ۳-۱ و ۳-۲ و ۳-۶) به‌انحای مختلف مورد توجه قرار داشته که به‌طور مشترک در مبانی فرهنگ اسلامی و توصیفات تاریخی ابنیه عبادی تأکید شده است.

می‌کنند (شاردن، ۱۳۴۹: ۲۰۵). این نیت زاهدانه که برای تخصیص بخششی جهت اهداف مذهبی، خیریه یا امور اجتماعی بود (ریمون، ۱۳۷۰: ۳۱-۳۳)، علاوه بر منابع مکتوب تاریخی، در کتیبه‌های سردر اماکن مقدس، از طریق ثبت تاریخ و نام بنیان و واقفان آنها ماندگار شده و شیوه‌ای از آموزش دینی بود. کتیبه وقف‌نامه مسجد جامع سمنان (اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۸: ۲۰۱۴)، مسجد گز اصفهان (هنر فر، ۱۳۵۰: ۱۹۱)، مسجد امام سمنان (حقیقت، ۱۳۵۲: ۴۸۱) و تعداد بی‌شمار دیگر بر نمای خارجی و سردر این اماکن نقش شده است. این مستندات گویای حضور پذیری وقف به عنوان یکی از عناصر حیاتی شالوده و سیمای شهر اسلامی و کوششی در جهت شناسایی و ماندگار سازی وقف در ذهن شهروندان و عابران و دعوت به وقف بوده است.

حفظ ارزش‌های اجتماعی اسلام

میادین و جلوخان کاربری‌های مذهبی و نیز معابر منتهی به این فضاها همواره، مکان تعاملات جمعی و مناسبات اجتماعی هماهنگ با اصول ویژه اسلام به منظور حمایت از ارزش‌های اجتماعی، افزایش رابطه تعاون و احترام به یک‌دیگر و تنظیم روابط صحیح بود. محمد بن منور قابلیت اجتماع‌پذیری اماکن مذهبی را خاطر نشان می‌کند: «بوسعد به وصیت بوسعید، به بغداد رفت و در جایی بی‌رونق خانقاهی ساخت و در جوارش بازار و گرمابه و کاروان‌سرا و خراس. مردم کم‌کم بدان جا روی آوردند و آن سوی شهر آبادان تراز سوی دیگر شد» (محمد بن منور، ۱۳۹۳: ۳۵۶-۳۶۰). اسفزاری زیارت‌گاه دارالعباده در نزدیکی هرات را در هیئت یکی از روستاهایی که با شهر برابری می‌کند، توصیف کرده (اسفزاری، ۱۳۳۹: ۲۱۹) و در جای دیگر، بیان می‌کند که بر سر مزار شیخ زین‌الدین تایبادی نیز جماعت خانه‌ای بنا شده بود (همان: ۲۱۹). در طرف چپ ایوان ورودی اصلی مزار شاهزاده عبدالله در هرات، مسجد کوچکی مرکب از دو گنبدخانه کنار هم است (اوکین، ۱۳۸۶: ۴۷۹) که نشان می‌دهد فضای شهری و اجتماعی در محدوده ورودی اماکن دینی علاوه بر نما و جداره بنا، دارای وجوهی از خصوصیات فرهنگ اسلامی بوده است.

شاخص‌سازی عناصر منظر اسلامی

بناهای شاخص منظر شهری همواره، به عنوان نشانه‌های بینش و فرهنگ حاکم بر شهرها به شمار می‌آیند و در صورت اجرای صحیح و انتخاب آگاهانه می‌توانند به عنوان رسانه عمومی بسیار اثرگذار ایفای نقش نمایند. در شهر سنتی اسلامی، ابنیه مذهبی نقش آگاهی بخشی دینی را بر عهده داشتند و این نقش چنان تعیین‌کننده بود که از جنبه‌های گوناگون بر ساکنان تاثیر می‌گذارد و رفتار آن‌ها را شکل می‌داد. سیاح فرانسوی درباره عظمت و هیبت ورودی مدرسه چهارباغ در بین ابنیه شهری، درگاه ورودی دارالعلم را نوعی فرورفتگی بزرگ غارمانند با دهانه‌ای بلند درون گچ‌بری‌های زرد و آبی توصیف کرده که زینت و عظمت آن، انسان را خیره نموده و دوران جلال و شکوه بی‌بازگشتی را تداعی می‌کند (لوتی، ۱۳۹۷: ۲۱۰). از این توصیف چنین برمی‌آید که سردر ابنیه عبادی نمایان‌گر هیبت، اهمیت و عظمت این گونه کاربری‌ها بوده و بر همین مبنا تلاش در وسعت، بلندا و تزئینات هر چه بیش‌تر شده است. اوکین بر جسته‌ترین ویژگی آرامگاه قاسم انوار در لنگر را دوگانگی ورودی می‌داند که هر کدام از جنبه معماری توجه بیننده را کاملاً به خود جلب می‌کند (اوکین، ۱۳۸۶: ۴۸۹). دودب نیز نمایان بودن بام مخروطی شکل بقعه دانیال را در میان درختان خرمای باشکوه توصیف می‌کند که از دور قابل رویت است (دودب، ۱۳۸۹: ۳۶۰). عموما، در عرصه مقابل سردر، بسته به مقیاس، کارکرد و ظرفیت بنا، فضای جلوخان فراهم می‌شد و گاه، مناره‌ها جذابیت سردر را افزون می‌نمود. «معمولا، در میانه دالان‌های مسجد، یک قسمت سرگشاده به صورت حیاط تعبیه شده بود که وجود طاق نماهای عمیق در دو طرف آن، شکوه بسیاری به آن می‌بخشید» (همایون‌فر، ۱۳۶۷: ۴۵۳). مسجد با سردر بلند ورودی و گاهی، با مناره‌ها، حضور خود را با صلابت اعلام می‌داشت تا ضمن دعوت‌گری، شکوه مخاطب نمازگزار را در بدو ورود افزایش دهد. هیئت ورودی در ادوار مختلف تفاوت می‌کند. در بعضی دوره‌ها ابعاد و اندازه‌های بسیار بزرگ می‌یابد. این اغراق دلیل بر میل بیش‌تر به تظاهر خارجی بنا و نمود اجزای درونی (ایوان، گنبد و مناره) در بیرون و رفعت نمای ورودی است.

تاکید بر استحکام و پایداری

مصادیق معماری اسلامی روشن می‌سازد در ابنیه مذهبی، دقت بسیاری در گزینش و کاربرد مواد، ترکیب آن‌ها با یکدیگر و هم‌سویی با کل طرح اعمال شده؛ تا آن‌جا که عرصه کار با مصالح به صورت یک علم و صنعت ظریف و هنری پیچیده نمایان می‌شود. بهره‌گیری از مواد و مصالح مرغوب و بوم‌آورد و طراحی صحیح آن بر مبنای قوانین طبیعت، یکی از جلوه‌های عینی مولفه‌های هویت اسلامی در طراحی بناهاست که به دلیل اهمیت پایداری ابنیه عبادی، جلوه بیش تری در این‌گونه بناها پیدا کرده و بر استواری آن‌ها در نمای ورودی تأکید شده است. توجه به استحکام در روایات معصومین نیز سفارش شده است. پیامبر (ص) می‌فرماید: خداوند محکم و استوار نمودن امور را دوست دارد (طبرسی، ۱۳۸۶: ۱۲۵-۱۲۶). ایشان پس از خاک سپاری سعد ابن معاذ فرمود: می‌دانم این قبر به زودی ویران خواهد شد؛ ولی خدا دوست دارد هرگاه بنده‌اش کاری می‌کند آن را استوار سازد (حرعاملی، ۱۴۱۳: ۲۳۰). در تبعیت از سخن ائمه معصوم، همواره ابنیه استوار هر شهر و روستایی، کاربری‌های دینی آن بوده است. ریچاردز می‌نویسد در ایران فقط از مساجد و ابنیه مقدس خوب نگهداری می‌کنند (ریچاردز، ۱۳۹۰: ۸۹). مک‌گریگر تصریح می‌کند در دهکده ابرقو عمارت مهمی نیست، به جز یک مسجد قدیمی با دو مناره بسیار بلند که شبیه آن‌ها هرگز ندیده است (مک‌گریگر، ۱۳۶۹: ۶۵). وی بنای طاق بلندی در روستای طوق را عنصر شاخص این مکان دانسته که هنر قابل ملاحظه‌ای در آن به کار رفته و بر مزار دو برادر سید برپاشده است (همان: ۲۴۵). به علاوه مصلی مشهد، بیرون دیوار شهر را چشم‌گیرترین و تنها بنای قابل توجهی می‌داند که پیرامون آن وجود داشته است (همان: ۲۵۵). هم‌چنین، مسجد جامع یزد با دو مناره بلند متقارن و مزین به کاشی‌های سبز و آبی را تنها عمارت زیبا و چشم‌گیر شهر می‌داند (همان: ۸۱).

تجلی پیام معنوی دین در هنر خوش‌نویسی و نقش‌پردازی

بزرگداشت شعائر خدا، نشانه تقوای دل‌ها (حج: ۳۲) و نقش‌پردازی اسلامی، بزرگداشت اصول اعتقادی و مبانی فرهنگ و جهان‌بینی اسلامی است. این نقوش دو مفهوم ساختاری و ادراکی را داراست؛ «مفهوم ادراکی به صورت پیچیده و پنهان با عوامل متنوع چون فرهنگ و سنت‌های گذشته، آگاهی‌ها و سلیقه‌های فردی و گروهی، ویژگی‌های کالبدی و زمینه‌های قرارگیری ارتباط دارد» (دیباچ و سلطان‌زاده، ۱۳۹۲: ۱۰-۱۱). نقوش هندسی و گیاهی در ورودی اماکن اسلامی، کیفیت خاصی به این مناظر عبادی بخشیده‌اند. چنان‌چه زینت یافتن کاشی‌کاری صحن مسجد امام تهران به آیات سوره جمعه و منافقون که در نماز جمعه قرائت آن‌ها توصیه شده و احکام شکایات نماز برکتیبه‌های آن از جمله شواهدی است که بر تبیین آموزه‌های دینی از طریق معماری دلالت دارند. مسجد جامع سلطانی در تهران دارای سه در است. بر درگاه بزرگ آن قصیده‌ای بر کاشی منقوش نگاشته شده و در بیرون همین در که دارای جلوخان بسیار وسیع معتبری است، در مدرسه صدر و نیز حمام حاج میرزا آقاسی که در این جلوخان است، بالای سردر قصیده‌ای کتیبه شده است (حسینی بلاغی، ۱۳۸۶: ۳۹). نمای پیشین ورودی بقعه شیخ زین‌الدین در تایباد با ایوان تاریخی آن کاملاً، پوشیده از تزیینات گوناگون از قبیل شیوه‌بنایی، کاشی معرق و شیوه‌تزیین هندسی و کانون توجه در آن، کتیبه‌ای قرآنی است که جدار ورودی را چون قابی دربر گرفته بود (اوکین، ۱۳۸۶: ۴۰۰). علاوه بر ورودی، مضامین نقش‌بسته بر اشیای موجود در این اماکن و پارچه نوشته‌هایی که در مناسبت‌های مختلف استفاده می‌شد، بیان‌گر اهمیت این کارکرد اماکن مذهبی است. تأکید بر کلام توحیدی از طریق انعکاس جلوه‌های هنر تزیینی، نمونه‌هایی از پیام‌رسانی است که خلوص معنوی را مهیا و در کالبد فضاهای معماری ایرانی نمود یافته است. بررسی و مطالعه کتیبه‌های مساجد تیموری در خراسان نشان می‌دهد کتیبه‌ها با مضمون قرآنی بعد از کتیبه‌های اسماء‌الهی و تاریخی بیش‌ترین جایگاه را در تزیینات معماری دارند. این

کتیبه‌ها حاکی از اظهار ایمان و اعتقادات مسلمانان است و اغلب با خط ثلث در فضای بیرونی و درونی بنا نوشته شده‌اند. کتیبه‌ها با محتوای صفات و اسما خداوند، مجموعه‌ای از معارف و صفات الهی به‌ویژه، مسأله خداشناسی را از ابعاد مختلف دربرگرفته و در ارتباط با هر یک از امور تربیتی انسان هاست (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۲۷۷). اصول مورد تاکید در معماری و شهرسازی اسلامی از قبیل انتقال پیام‌های معنوی در نمای ابنیه اسلامی از طریق خط و نقش (شکل ۱-۴ و ۴-۴) و یا از طریق سادگی و خلوص (شکل ۲-۴)، هم‌چنین، حفظ ارزش‌های اجتماعی اسلام (شکل ۳-۴) و نیز شاخص‌سازی عناصر منظر اسلامی (شکل ۴-۵ و ۴-۶) از خصلت‌های مشترک طرح‌شده در متون دینی و توصیفات تاریخی است.

مستخرج از متون دینی انتخاب شده است که مستلزم طبقه‌بندی در زیرشاخه‌های جزئی تر به جهت قیاس با متون تاریخی و تحلیل مصادیق معماری است. در این میان، صفات الهی در چهار زیربخش وحدانیت، قداست، تنزیه و خلوص و هدایت‌گری مدنظر قرار گرفت. بررسی‌ها نشان داد، اصول و آموزه‌های عام اسلامی در چهار مولفه تکریم انسان، تکریم طبیعت، امنیت و آرامش روانی و زیبایی‌به‌عنوان ویژگی‌های مهم فرهنگ اسلامی، خصوصیات کالبدی و کارکردی ابنیه مذهبی را تحت تاثیر قرار داده است. اصول شهرسازی و منظر اسلامی که در ساختار ورودی‌ها تحلیل گردید، شامل اهمیت وقف، حفظ ارزش‌های اجتماعی، اهمیت عناصر شاخص منظر اسلامی، استحکام و پایداری و پیام معنوی آرایه‌ها است.



شکل ۴- بازتاب اصول شهرسازی و منظر اسلامی: ۱. مسجد جامع اشترجان (نگارنده). ۲. مسجد جامع ورامین و ۳. مسجد امام اصفهان (نوایی و حاجی قاسمی، ۱۳۹۱: ۲۷ و ۴۵). ۴. مسجد کبود تبریز (نگارنده). ۵. دورنمای شهر یزد (URL1). ۶. مسجد جامع نایین و ۷. دورنمای شهر قدیمی ابرقو (صفاءالسلطنه، ۱۳۸۲: ۲۰۷ و ۲۰۸).

بازتاب فرهنگ اسلامی در منظر ورودی کاربری‌های مذهبی در سه زیربخش کلی شامل بازتاب صفات الهی، اصول و آموزه‌های عام اسلامی و اصول شهرسازی و منظر اسلامی بررسی گردید. این دسته‌بندی بر مبنای معارف و مفاهیم اسلام

در مرحله تحلیل داده‌ها، علل معنایی و محتوایی و شیوه‌های شکل‌دهی به مناظر ورودی ابنیه مذهبی از دو جنبه بدنه خارجی ابنیه و فضای شهری مجاور آن‌ها مدنظر قرار داشته است؛ در این بررسی تلاش گردید، توصیفات از ابنیه مذهبی مورد جستجو قرار

گیرد که به معرفی خصوصیات کتیبه‌ها، ابعاد و تناسب‌ها، تزئینات و مصالح در بدنه خارجی و هم‌چنین، عناصر مصنوع و طبیعی در ورودی ابنیه مذهبی پرداخته‌اند. عوامل اثرگذار در شکل‌دهی به منظر ورودی اماکن عبادی به‌لحاظ ویژگی‌های کالبدی و کارکردی، با تکیه بر شاخص‌های پژوهش و تحلیل یافته‌ها، در جدول ۳ ارائه می‌گردد.

جدول ۳. بازتاب فرهنگ اسلامی در ویژگی‌های کالبدی و کارکردی منظر ورودی اماکن مذهبی (نگارنده).

معیار	شاخص	ویژگی‌های کالبدی و کارکردی ورودی (مطابق منابع ب/۱/ب/۲)
وحدانیت		کاربرد نمادها در نقش‌پردازی نما به‌واسطه خط و رنگ و نور/ مرکزیت مکان آب در عرصه ورودی/ وحدت عناصر کالبدی نما
		یادآوری و ذکر الهی در الگوهای نقوش و کتیبه‌های سردر/ ایجاد کلیت یک پارچه از طریق ریتم و تکرار و...
		اشاره بر محوریت یاد خدا در امور مسلمین/ الگوهای هندسی و گیاهی نمادین/ پیام وحدت در مفهوم کتیبه‌ها
قداست		کاربرد نمادهای پاکی و تقدس در منظرسازی اماکن مقدس/ کاربرد آب ساکن در بردارنده بازتاب تقدس و پاکی آسمان
		جلوه‌های نمایش آب در جلوخان زیارت‌گاه‌ها و مجتمع ورودی مساجد/ کاربرد آب جاری و متحرک بیان‌گر زلالی، روانی و پاکی
تنزیه و خلوص		سادگی و بی‌پیرایگی در نمای ورودی و تزئینات در عین جلال و شکوه/ ایجاد تمرکز از طریق محصوریت کالبدی
		تشخص در عین سادگی/ کاربرد عناصر طبیعت به‌جای تکلف در تزئینات/ آرایه‌های موزون و منظم
		فراهم آوردن فضای تامل و تفکر در مقابل ورودی با کمک عناصر کالبدی/ نفی پیچیدگی و کثرت در آرایه‌ها
هدایت‌گری		کاربرد عناصر هدایت‌گر از منظر ورودی تا فضای درونی بنا/ هدایت آب جاری از جلوخان تا درگاه
		هدایت به‌سوی امر دینی از طریق کشش و جاذبه طاق‌بندی‌ها و طاق‌نماها در جداره بنا تا درگاه ورودی
		نقش آب و انعکاس ارزش قدسی آن در منظر‌گاه ورودی جهت هدایت‌گری مومنین به امر عبادی
		نقش گیاهان و درختان در تذکر یاد خدا و دعوت به‌سوی عبادت‌گاه و درگاه ورود
		برانگیختن اشتیاق حرکت به‌سوی درگاه ورودی با کمک عناصر کالبدی/ دنباله خط و نقش و طاق از جلوخان تا درگاه

تکریم انسان	طراحی عناصر کالبدی در احترام به نیازهای کاربران از قبیل سکوی ورودی و فضاهای مکث/نقش حمایت‌گر عناصر ورودی
	اجتماع‌پذیری جلوخان‌ها و میدان‌های ورودی/فضای چندظرفیتی جلوخان/پاسخ‌دهی به تعدد کارکردها
تکریم طبیعت	منظرسازی ورودی با کاربرد گیاهان، درختان و مسیرهای آب/جلوه‌های طبیعی گیاهان و نه مصنوع‌سازی طبیعت
	فراهم آوردن امکان تامل و تفکر در سایه درختان و مناظر طبیعی که نشانه‌های الهی است.
امنیت و آرامش روانی	زیباسازی منظر و ایجاد محصوریت فضایی/اجتماع‌پذیری در راستای نظارت‌پذیری فضای عبادی
	کنترل و نظارت بر مکان به‌واسطه حضور استفاده‌کنندگان و نیز شهروندان/نقش حمایت‌گری عناصر در سلسله‌مراتب ورود
زیبایی و فرح‌بخشی	کاربرد نقش و رنگ در نماسازی منظر ورودی/تاکید بر زیباسازی از طریق منظرسازی طبیعی در اشاره به خالق طبیعت
	القای حس پذیرش و اشتیاق برای حضور در این اماکن/توجه به نقوش نمادین و رنگ‌های نمادین و زیبایی و فرح‌بخشی آن‌ها
اهمیت وقف	ثبت نام بانیان و واقفان و تاریخ وقف بر کتیبه‌های ورودی/منظر ورودی دعوت‌گر به امور عبادی/منظر به‌عنوان رسانه دینی
	آموزش دینی و تشویق به انجام امر زاهدانه وقف با نوشتن نام بانی و تاریخ وقف
حفظ ارزش‌های اجتماعی اسلام	افزایش قابلیت اجتماع‌پذیری اماکن مذهبی از طریق منظرسازی با کاربری فضاهای جمعی/بازتاب هم‌بستگی
	افزایش رابطه تعاون و کاهش رفتارهای نابهنجار اجتماعی به‌واسطه ایجاد کاربری‌های متناسب در محوطه و میدان ورودی
	شکل‌دهی به هویت دینی شهروندان/حمایت از اجتماع مسلمین/کاربرد فضای آموزشی در محوطه ورودی
شاخص‌سازی عناصر منظر اسلامی	رفعت و عظمت در گاه ورودی و قرار داشتن بر سکو؛ طراحی عناصر شاخص و قابل مشاهده در نمای ورودی هم‌چون مناره
	تجمع کاربری‌های عمده و عمومی شهری در محوطه میدان عبادت‌گاه/مکان شاخص اجتماعی/عرصه تجمع مسلمین
	قابلیت خوانش معنای عبادت‌گاه بر مبنای فرم‌ها و اشکال/موقعیت مرکزی و کانونی در شهر و محله/منظر اجتماعی
استحکام و پایداری	کاربرد مواد و مصالح ماندگار و ظرافت هنری در پرداخت نما/ابهت و رفعت و بروز مفهوم ثبات و پایداری
	قابلیت کاربرد در درازمدت و تبدیل شدن به عنصر شاخص در نظر شهروندان/انتقال مفهوم پایداری در فرم و شیوه اجرا
پیام خوش‌نویسی و نقش‌پردازی	کاربرد نمادها در نقش‌پردازی و ثبت آیات و احادیث در خطوط خوش‌نویسی
	آموزش دینی به‌واسطه نوشتن آیات و احادیث، اسما الهی و ادعیه بر کتیبه‌های ورودی

نتیجه‌گیری

تحلیل محتوای متون دینی و تاریخی در پاسخ به پرسش اول پژوهش نشان داد که منظر ورودی ابنیه تاریخی عبادی دارای ویژگی‌های کالبدی و کارکردی متعدد برگرفته از مبانی فرهنگ اسلامی بوده که ذیل شاخص‌های معنایی تعریف‌کننده حقایق، اصول و آموزه‌ها قرار می‌گیرد؛ به طوری که ظرفیت‌های متعدد کارکردی در جلوخان و منظر ورودی بناها با هدف حفظ ارزش‌های اجتماعی، آموزش دینی، هدایت‌گری و تامین امنیت و کرامت انسانی فراهم شده است و از سوی دیگر، وجوه معنای ظاهر و منظر دیداری ابنیه، پیام آور وحدانیت، قداست، تنزیه و خلوص و حقایق الهی است که در توصیفات تاریخی کالبد بناها به مراتب مورد تاکید قرار گرفته است. دریافت پاسخ پرسش دوم پژوهش از طریق تمرکز بر تحلیل محتوای متون تاریخی و قیاس با مفاهیم دینی صورت گرفته است. تمرکز بر متون مذکور نشان داد که سیاحان اروپایی، عمدتاً بر جنبه‌های عینی/حسی ابنیه از جمله تزیینات هندسی و نقوش گیاهی، فقدان چهره‌نگاری، فرح‌بخشی و زیبایی طبیعت محور، سادگی و بی‌پیرایگی، شکوه و ابهت و ارتفاع بنا و رویت‌ناپذیری عرصه درونی تاکید داشته‌اند؛ در حالی که مورخان تاریخ محلی و سیاحان ایرانی با پیش‌آگاهی از تعالیم دینی، بر وجوه معنایی علاوه بر ظواهر کالبدی و به عبارتی توصیف خصوصیات کالبدی/کارکردی در جهت نمایش معانی و مفاهیم مقدس دینی همت گماشته‌اند. در این توصیفات، خصلت‌هایی چون پاکی و تقدس آب، تقدس درختان کهن، قابلیت آبادانی، نقش نمادین کارکردی به جهت مساحت و عظمت بنا، آرامش و امنیت روانی، کارکردهای دینی و فضای تمرکز و تأمل نمود بارزتری داشته است. هر دو دسته متون (ب/۱ و ب/۲) نشان می‌دهند که یکایک اجزای منظر با هدف نمایش ابعاد فرهنگ اسلامی شکل یافته و گاه، یک جز از بنا اهداف چندگانه را در این راستا پاسخ‌گو بوده است.

پی‌نوشت

۱. نک. (نرج‌آبادی و همکاران، ۱۴۰۰)؛ (زارع و همکاران، ۱۴۰۰)؛ (رحمتی‌زاده و همکاران، ۱۳۹۸)؛ (شهبازی شیران، حسینی‌نیا و حسینی‌صدر، ۱۳۹۹).
۲. نک. (عباسی، ولی بیگ و آریا، ۱۴۰۰)؛ (ورمقانی، ۱۴۰۰)؛ (نوری و عینی‌فر، ۱۴۰۰).

منابع

- قرآن کریم (۱۳۸۹). ترجمه ابوالفضل بهرام‌پور، تهران: اسوه.
- ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۸۱). *خصال شیخ صدوق با ترجمه و شرح فارسی*، ترجمه محمدباقر کمره‌ای، جلد ۲ و ۱، تهران: کتاچی.
- ابن جوزی، عبدالرحمن بن علی (۱۴۱۲ ق.). *المنتظم فی تاریخ الملوک والامم*، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- استارک، فریا (۱۳۶۶). *سفری به دیار الموت*، لرستان و ایلام، ترجمه علی محمدساک، تهران: علمی.
- اسفرازی، معین‌الدین محمد (۱۳۳۹). *روضات الجنات فی اوصاف مدینه هرات*، با تصحیح و حواشی محمدکاظم امام، جلد ۱، تهران: دانشگاه تهران.
- اشراقی، فیروز (۱۳۷۹). *اصفهان از دید سیاحان خارجی*، اصفهان: آتروپات.
- اعتمادالسلطنه، محمدحسن خان (۱۳۶۸). *مرآة البلدان*، به کوشش عبدالحسین نوایی و میرهاشم محدث، جلد ۴، تهران: دانشگاه تهران.
- الهی قمشه‌ای، حسین (۱۳۸۷). معماری و فطرت انسانی، *اندیش‌نامه: مجموعه مقالات میان‌رشته‌ای شهر و معماری*، تهران: مرکز مطالعاتی و تحقیقاتی شهرسازی و معماری وزارت مسکن و شهرسازی.
- اوکین، برنارد (۱۳۸۶). *معماری تیموری در خراسان*، ترجمه علی‌آخشینی، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی.
- اینووه، ماساجی (۱۳۹۰). *سفرنامه ایران*، ترجمه هاشم رجب‌زاده، تهران: طهوری.
- براون، ادوارد (۱۳۹۵). *یک سال در میان ایرانیان*، ترجمه مانی صالحی‌علامه، تهران: اختران.
- بروگش، هاینریش کارل (۱۳۸۹). *سفری به دربار سلطان صاحبقران*، ترجمه محمدحسین کردبچه، تهران: اطلاعات.
- بنجامین، ساموئل گرین ویلر (۱۳۹۱). *ایران و ایرانیان در عصر ناصرالدین شاه: خاطرات نخستین سفیر ایالات متحده آمریکا در ایران*، ترجمه محمدحسین کردبچه، تهران: اطلاعات.
- بورکهارت، تیتوس (۱۳۸۱). *هنر مقدس، اصول و روش‌ها*، ترجمه جلال ستاری، تهران: سروش.

بهار، مهرداد (۱۳۹۸). *از اسطوره تا تاریخ*، تهران: چشمه.

بهرامی نژاد، فاطمه و کابلی، محمدهادی (۱۳۹۸). مهندسی فرهنگی در شکل‌گیری الگوی معماری اسلامی، *مطالعات هنر اسلامی*، دوره ۱۵، شماره ۳۶، ۲۹-۴۸.

پوپ، آرتور ابهام (۱۳۸۸). *معماری ایران*، ترجمه غلامحسین صدری، تهران: اختران.

تاورنیه، ژان باتیست (۱۳۹۰). *سفرنامه تاورنیه*، ترجمه حمیدارباب شیرانی، تهران: نیلوفر.

جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۷). *مفاتیح الحیاه*، قم: مرکز نشر اسراء.

حرّعاملی، محمدبن حسن (۱۴۱۳ق). *تفضیل وسائل الشیعه*، جلد ۳، قم: موسسه آل‌ال‌بیت.

حسینی بلاغی، سیدحجت (۱۳۸۶). *گزیده تاریخ تهران*، تهران: مازیار.

حقیقت، عبدالرفیع (۱۳۵۲). *تاریخ سمنان*، سمنان: فرمانداری کل سمنان.

درویشی، صیاد و داودی دهقانی، ابراهیم (۱۳۹۹). تأثیر فرهنگ بومی اسلامی بر پیشگیری از جرائم در شهر قم، *اسلام و علوم اجتماعی*، دوره ۱۲، شماره ۲۳، ۱۰۷-۱۲۹.

دل‌واله، بیترو (۱۳۹۲). *سفرنامه پیترو دل‌واله (قسمت مربوط به ایران)*، ترجمه شعاع‌الدین شفا، تهران: علمی و فرهنگی.

دوید، کلمنت اوگاستس (۱۳۸۹). *سفرنامه لرستان و خوزستان*، ترجمه محمدحسین آریا، تهران: علمی و فرهنگی.

دیباچ، سیدموسی و سلطان‌زاده، حسین (۱۳۹۲). *فلسفه و معماری*، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.

راولینسون، سر هنری (۱۳۶۲). *سفرنامه راولینسون (سفر از زهاب به خوزستان)*، ترجمه سکندر امان‌اللهی بهاروند، تهران: آگاه.

رحمتی‌زاده، علی؛ سلطان‌زاده، حسین؛ اعتصام، ایرج و مختاباد امرئی، سیدمصطفی (۱۳۹۸). نقش محیط و فرهنگ در شکل‌گیری آرامگاه‌های دوره اسلامی در حاشیه جنوبی دریای خزر، *اندیشه معماری*، دوره ۳، شماره ۵، ۶۰-۸۳.

ریچاردز، فرد (۱۳۹۰). *سفرنامه فرد ریچاردز*، ترجمه مهین‌دخت صبا، تهران: علمی و فرهنگی.

ریمون، آندره (۱۳۷۰). *مقدمه‌ای بر شهرهای بزرگ عربی-اسلامی در قرن‌های ۱۰ تا ۱۲ هجری*، ترجمه حسین سلطان‌زاده، تهران: آگاه.

زارع، شیوا؛ داودی، ابوالفضل؛ کریم‌نژاد، محمد مهدی و دهقان‌هراتی، محمود (۱۴۰۰). خوانشی بر بازخوانی وحدت در هنرهای بومی سنتی میبد مبتنی بر مفاهیم هنر اسلامی، *پژوهشنامه تمدن اسلامی*، دوره ۳، شماره ۶، ۱۰۷-۱۳۴.

سجادی، سید جعفر (۱۳۹۳). *فرهنگ اصطلاحات و تعبیرات عرفانی*، تهران: طهوری.

سدیدالسلطنه مینابی بندرعباسی، محمدعلی‌خان (۱۳۹۳). *سفرنامه سدیدالسلطنه (التدقیق فی سیرالطریق)*، تصحیح و تحشیه احمد اقتداری، تهران: بنیاد موقوفات دکتر

محمودافشار.

سلطان‌زاده، حسین (۱۳۹۰). *فضاهای ورودی در معماری سنتی ایران*، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.

سلطان‌زاده، حسین (۱۳۹۲). *نابین*، شهر هزاره‌های تاریخی، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.

سلطان‌زاده، حسین (۱۳۹۶). *گزارش طرح پژوهشی ارتقاء هویت فرهنگی شهر قزوین از طریق بهبود نما و منظر شهری بر اساس آموزه‌های شهر ایرانی اسلامی*، قزوین: سازمان خدمات طراحی شهرداری استان قزوین.

شاردن، ژان (۱۳۴۹). *سیاحت‌نامه شاردن*، ترجمه محمد عباسی، تهران: امیرکبیر.

شهبازی شیران، حبیب، حسینی‌نیا، سیدمهدی و حسینی صدر، علیرضا (۱۳۹۹). تأثیر اندیشه‌های فرقه حروفیه بر انتخاب برخی از مضامین کتیبه‌های مسجد کبود تبریز، *جلوه هنر*، دوره ۱۲، شماره ۴، ۶۰-۷۳.

شین‌جو، سوزوکی (۱۳۹۳). *سفرنامه سوزوکی شین‌جو (سفر در فلات ایران)*، ترجمه هاشم رجب‌زاده، تهران: طهوری.

صفاءالسلطنه نایینی، میرزا علی‌خان (۱۳۸۲). *سفرنامه صفاءالسلطنه نایینی (تحفه الفقراء)*، به اهتمام محمد گلبن، تهران: اطلاعات.

طباطبایی، سید محمدحسین (۱۳۸۹). *تفسیر المیزان*، ترجمه سید محمدباقر موسوی همدانی، جلد ۴، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

طبرسی، حسن‌بن فضل (۱۳۸۶). *مکارم الاخلاق*، قم: حبیب.

طهرانی، فاطمه، شریعت‌پناهی، مجیدولی و اسدیان، فریده (۱۳۹۹). بررسی ویژگی‌های شهر پاک برگرفته از فرهنگ و شاخصه‌های شهر اسلامی در شهر تهران، *نگرش‌های نودر جغرافیای انسانی*، دوره ۱۲، شماره ۳، ۴۹۱-۵۱۲.

عباسی، نوشین؛ ولی‌بیگ، نیما و آریا، نیکتا (۱۴۰۰). مطالعه مقایسه‌ای سلسله مراتب ورودی مساجد جامع عباسی و سید اصفهان از منظر نظام تناسب هندسه ایرانی در پلان، *فرهنگ معماری و شهرسازی اسلامی*، دوره ۶، شماره ۱، ۳۹-۵۱.

فضل‌الله، رشیدالدین (۱۳۹۳). *وقف‌نامه ربع رشیدی*، تهران: سازمان اوقاف و امور خیریه.

کشانی‌همدانی، مینا و سجادزاده، حسن (۱۳۹۹). بازخوانی سازمان فضایی محله در شهر ایرانی از منظر فرهنگ وقف مطالعه موردی: محله علی‌قلی‌آقا، شهر اصفهان، *مطالعات شهر ایرانی اسلامی*، دوره ۱۰، شماره ۴۰، ۳۳-۷۵.

کمپفر، انگلبرت (۱۳۶۰). *سفرنامه کمپفر*، ترجمه کیکاووس جهاننداری، تهران: خوارزمی.

کوپر، جین (۱۴۰۰). *فرهنگ نمادهای آیینی*، ترجمه رقیه بهزادی، تهران: علمی.

گنون، رنه (۱۳۷۹). *نمادگرایی در گنبد و چرخ*، ترجمه محمدعلی رفیعی، *معماری و فرهنگ*، دوره ۱، شماره ۴، ۱۸-۱۸.

لوتی، پیر (۱۳۹۷). *سفرنامه به‌سوی اصفهان*، ترجمه

مابین مسجد و شهر مطالعه مقایسه‌ای ورودی مساجد منطقه‌ای «سنتی و مدرن» معاصر تهران، **پژوهش‌های معماری اسلامی**، دوره ۹، شماره ۳۱، ۱-۱۸.

نوری طبرسی، میرزا حسین (۱۳۶۹). **مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل**، جلد ۳، قم: آل‌البیت.

ورمقانی، حسنا (۱۴۰۰). رویکردی تحلیلی بر خصلت دعوت‌گری مساجد معاصر بررسی موردی: مساجد تهران، **پژوهش‌های معماری اسلامی**، دوره ۹، شماره ۳۰، ۱۲۳-۱۴۳.

همایون فر، علیرضا (۱۳۶۷). مدخل آقابزرگ، مسجد و مدرسه، **دایره‌المعارف بزرگ اسلامی**، جلد ۱، زیر نظر کاظم موسوی بجنوردی، تهران: مرکز دایره‌المعارف بزرگ اسلامی.

هنر فر، لطف‌اله (۱۳۵۰). **گنجینه آثار تاریخی اصفهان**، اصفهان: ثقفی.

References

- The Holy Qur'an, (1994). Translated by Mohammad Mahdi Fouladvand, Tehran: Office of Historical and Islamic Studies (Text in Arabic & Persian).
- Abbasi N., Valibeig N., Arya N. A. (2021). Comparative Study of the Entrance Circulation of Abbasi Jame' Mosque and Seyyed Jame' Mosque in Isfahan from the Perspective of the Persian Geometric Proportion in an Architectural Plan. *The Culture of Islamic Architecture and Urbanism*, 6 (1), 39-51. URL: <http://ciauq-tabriziau.ir/article-1-280-fa.html> (Text in Persian).
- Bahar, M. (2019). *From myth to history*, Tehran: Cheshmeh (Text in Persian).
- Bahrami nejad, F., & Kaboli, M. H. (2020). Cultural Engineering in Shaping Islamic Architectural Pattern. *Islamic art studies*, 15(36), 29-48. doi: 10.22034/ias.2020.103890 (Text in Persian).
- Benjamin, S.G.W. (2012). *Persia and the Persians*, Translated by Mohammad Hossein Kordbacheh. Tehran: Etela't (Text in Persian).
- Brown, E.G. (2016). *A year amongst the Persian*, Translated by Mani Salehi Allameh, Tehran: Akhtaran (Text in Persian).
- Brugsch, H.K. (2010). *Reise der K. preussischen gesandtschaft nach Persien 1860 und 1861*, Translated by Mohammad Hossein Kordbacheh. Tehran: Etela't (Text in Persian).
- Burckhardt, Titus. (2002). *Principes et methodes de l'art scar'e*, Translated by Jalal Sattari, Tehran: Soroush (Text in Persian).
- Chardin, J. (1970). *Vogages de Chardin*, Translated by Mohammad Abbasi. Tehran: Amir Kabir (Text in Persian).
- Cooper, Jean C. (2021). *An illustrated encyclopaedia of traditional symbols*, c1978, Translated by Ruqiya Behzadi. Tehran: Scientific (Text in Persian).
- Darvishi, S., Davoodi Dehaqani, E. (2020). The Effectiveness of the Indigenous Islamic Culture on the Crime Prevention in the City of Qom. *Journal*

- بدرالدین کتابی، تهران: اطلاعات.
- ماساها رو، یوشیدا (۱۳۹۱). **سفرنامه یوشیدا ماساها رو: نخستین فرستاده ژاپن به ایران**، ترجمه هاشم رجب‌زاده، مشهد: آستان قدس رضوی.
- مجلسی، محمدباقر (۱۳۸۶). **بحار الانوار**، ترجمه ابوالحسن موسوی همدانی، جلد ۸، تهران: اسلامیه.
- محمد بن منور (۱۳۹۳). **اسرار التوحید فی مقامات الشیخ ابوسعید**، به اهتمام ذبیح‌لله صفا، جلد ۲، تهران: آگه.
- محمدی ری شهری، محمد و خوش نصیب، مرتضی (۱۳۹۳). **فرهنگ‌نامه مسجد**، قم: دارالحدیث.
- مطهری، مرتضی (۱۳۸۶). **جهان بینی توحیدی**، قم: صدرا.
- مک‌گرگر، کلنل سی. ام. (۱۳۶۹). شرح سفری به ایالت خراسان، ترجمه مجید مهدی‌زاده، جلد ۱، مشهد: آستان قدس رضوی.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴). **تفسیر نمونه**، جلد ۲، قم: دارالکتب الاسلامیه.
- مانی، حمید؛ یاری، فهیمه و حقیر، سعید (۱۳۹۷). مولفه‌های معماری ایرانی-اسلامی و نقش هویت‌بخش تزیینات، **هنر و تمدن شرق**، دوره ۶، شماره ۲۱، ۳۳-۴۴.
- مؤمنی، کوروش؛ عطاریان، کوروش و محبیان، مصطفی (۱۳۹۹). بازشناسی هویت فرهنگ اسلامی در معماری نماهای ورودی مطالعه موردی: خانه‌های بافت قدیم دزفول، **اندیشه معماری**، دوره ۴، شماره ۷، ۱۴-۲۸.
- نرج‌آبادی فام، مژگان؛ کرمی، اسلام؛ رئیسی، محمدمنان و جوان فروزنده، علی (۱۴۰۰). بررسی تطبیقی معناشناختی نشانه‌های معماری محلات قدیمی و معاصر از منظر اندیشه اسلامی و از دیدگاه ادراک شهروندان (نمونه موردی محله شتربان ورش‌دیده تبریز)، **فرهنگ معماری و شهرسازی اسلامی**، دوره ۶، شماره ۲، ۱۳۳-۱۵۲.
- نقره‌کار، سلمان و معین مهر، صدیقه (۱۳۹۹). پیشنهاد راهکارهایی برای اثربخشی آموزه‌های اسلامی بر درس رشته معماری نمونه موردی: درس مقدمات طراحی معماری بر اساس چهار رویکرد مصوب شورای تحول شورای عالی انقلاب فرهنگی (اسلامی سازی، بومی سازی، کارآمدی و روزآمدی)، **پژوهش‌های معماری اسلامی**، دوره ۸، شماره ۲۸، ۵۱-۶۷.
- نقیزاده، محمد (۱۳۸۵ الف). **شهرسازی و معماری اسلامی (مبانی نظری)**، اصفهان: سازمان نظام مهندسی ساختمان استان اصفهان.
- نقی‌زاده، محمد (۱۳۸۵ ب). باغ هستی، الگویی ایرانی برای طراحی یک فضای شهری، **محیط‌شناسی**، دوره ۳۲، شماره ۴۰، ۶۳-۷۶.
- نقی‌زاده، محمد (۱۳۹۴). آموزه‌های قرآنی و شهرآرمانی اسلام، **پژوهش‌های معماری اسلامی**، دوره ۳، شماره ۳، ۶۷-۴۶.
- نویایی، کامبیز و حاجی‌قاسمی، کامبیز (۱۳۹۱). **خشت و خیال (شرح معماری اسلامی ایران)**، تهران: سروش با همکاری دانشگاه شهید بهشتی.
- نوری، الهام و عینی‌فر، علیرضا (۱۴۰۰). تحلیل کیفیت فضای

- of Mortmain; Case Study: Aligholi Agha neighborhood, Isfahan. *Iranian Islamic City Studies*, 10(40), 33-75. doi: 20.1001.1.2228639.1399.10.40.3.7 (Text in Persian).
- Loti, P. (2018). *Vers Isfahan*, Translated by Badredin Ketabi, Tehran: Etela't (Text in Persian).
- MacGregor, C.M. (1990). *Narrative of a journey through the province of Khorassan and on the N.W. frontier of Afghanistan in 1875*, Translated by Majid Mehdizadeh, Vol. 1, Mashhad: Astan Quds Razavi (Text in Persian).
- Majlesi, M.B. (2007). *Sailor Lights*, Translated by Abul Hassan Mousavi Hamdani, Tehran: Islamia (Text in Persian).
- Makarem Shirazi, N. (1995). *Tafsir Nemooneh*, vol. 2, Qom: Dar al-kotob al-Islamiah (Text in Persian).
- Mamani, H., Yari, F., Haghiri, S. (2018). Components of Iranian-Islamic Architecture and the Identity-Constructing Role of Embellishments. *Journal of Art and Civilization of the Orient*, 6(21), 37-46. doi: 10.22034/jaco.2018.77148 (Text in Persian).
- Masaharu, Y. (2012). *Travels of Yoshida Masaharu the first emissary of Japan to Iran in Qajar (1880 - 81 A. D.)*, Translated by Hashem Rajabzadeh. Mashhad: Astan Quds Razavi (Text in Persian).
- Mohammad Bin Monavar (2014). *The Secrets of Monotheism in the Shrines of Sheikh Abu Saeed*, by Zabihollah Safa, Vol. 2, Tehran: Agah (Text in Persian).
- Mohammadi Reishahri, M., Khosh Nasib, M. (1014) *Mosque Dictionary*, Qom: Dar al-Hadith (Text in Persian).
- Momeni, K., Attarian, K., mohebian, M. (2020). Recognition of the identity of Islamic culture in the architecture of input faces (Case study: Dezful House of Old Texture). *Journal of Architectural Thought*, 4(7), 14-28. doi: 10.30479/at.2020.11193.1263 (Text in Persian).
- Motahari, M. (2007) *Monotheistic worldview*, Qom: Sadra (Text in Persian).
- Naghizadeh M. (2015). The "Quranic Teaching" and the "Ideal Islamic City". *Journal of Researches in Islamic Architecture*, 3(3), 46-64. URL: <http://jria.iust.ac.ir/article-1-272-fa.html> (Text in Persian).
- Naghizadeh, M. (2007a). *Islamic urban design and architecture (The pretical bases)*, Isfahan: Isfahan Province Building Engineering System Organization (Text in Persian).
- Naghizadeh, M. (2007b). The garden of existence, an Iranian model for designing an urban space, *Journal of Environmental Studies*, 32(40), 63-76 (Text in Persian).
- Narjabadifam M., Karami I., Raeesi M. M, Javan Forouzande, A. (2021). A Comparative Semantic Study of Landmarks of Old and Contemporary Neighborhoods from Perspective of Islamic Notions and the Perspective of Citizens' Perception (A Case Study of Shotorban and Roshdiyeh Neighborhoods of Tabriz). *The Culture of Islamic Architecture and Urbanism*, 6(2), 133-152. URL: <http://ciauj-tabriziau.ir/article-1-308-fa.html> (Text in Persian).
- Navaei, K., Haji Qasemi, K. (2012) *Clay and Imagination (Description of Iranian Islamic Architecture of Islam and social sciences*, 12(23), 107-129. doi: 10.30471/soci.2020.5813.1417 (Text in Persian).
- De Bode, C.A. (2010). *Travels in Luristan and Arabistan*, Translated by Mohammad Hossein Aria, Tehran: Scientific and Cultural (Text in Persian).
- Della Valle, P. (2013). *Cose e parole nei viaggi di pitro della valle*, Translated by Shoaedin Shafa, Tehran: Scientific and Cultural (Text in Persian).
- Dibaj, S.M., Soltanzadeh, H. (2013). *Philosophy and architecture*, Tehran: Cultural Research Office (Text in Persian).
- Inoue, Masaji. (2011). *Chuo ajiya ryokoki*, Translated by Hashem Rajabzadeh. Tehran: Tahori (Text in Persian).
- Elahi Qomshei, H. (2008) *Architecture and human nature*, Andishnameh 1, Tehran: Ministry of Housing and Urban Development (Text in Persian).
- Esfazazi, M.M. (1960). *Gardens of Paradise in the descriptions of the city of Herat*, Corrections and Margins by Mohammad Kazem Emam, Tehran: University of Tehran (Text in Persian).
- Eshraghi, F. (2000). *Esfahan: from the view point of foreign travelers*, Isfahan: Atropat (Text in Persian).
- Etamad al-Saltaneh, M.H. (1989). *Country mirrors*, by Abdol Hossein Navaei and Mirhashem Mohades, Vol. 4, Tehran: University of Tehran (Text in Persian).
- Fazlollah, R2014). *Waqfname Rabi' Rashidi*, Tehran: Awqaf and Charitable Affairs Organization (Text in Persian).
- Guénon, R2000). Symbolism in dome and wheel, Translated by Mohammad Ali Rafiei, *Architecture and Culture*, 1(4), 18 (Text in Persian).
- Haqiqat, A.R. (1973) *History of Semnan*, Semnan: General Governorship of Semnan (Text in Persian).
- Homayounfar, A. (1988). Entry of Agha Bozorg, Mosque and School, *Great Islamic Encyclopaedia*, Vol. 1, Under the Supervision of Kazem Mousavi Bojnourdi, Tehran: Great Islamic Encyclopaedia Center (Text in Persian).
- Honarfar, L. (1971). *Isfahan Historical Artifacts Treasure*, Isfahan: Thaghafi (Text in Persian).
- Hore 'ameli, M.H. (1992). *Preference of Shiite means*, Qom: Al-Al-Bayt Institute (Text in Arabic).
- Hosseini Balaghi, S.H. (2007). *Selected history of Tehran*, Tehran: Maziar (Text in Persian).
- Ibn Babouyeh, M.A. (2002). *Characteristics of Sheikh Sadouq with Persian translation and commentary*, Vol. 1&2. Translated by Mohammad Baqer Kamarei. Tehran: Ketabchi (Text in Persian).
- Ibn Jozi, A.R.A. (1991). *Regular in the history of kings and nations*, Beirut: Dar Al-Kotob Al-Ilmiyah. (Text in Arabic).
- Javadi Amoli, A. (2018). *The keys to life*, Qom: Isra Publishing Center (Text in Persian).
- Kaempfer, E. (1981). *Am hofe des persischen grosskonnigs (1684 - 85)*, Translated by Keikavos Jahandari. Tehran: Kharazmi (Text in Persian).
- Kashani Hamedani, M., Sajadzadeh, H. (2021). Revisiting the Spatial Organization of Neighborhoods in the Iranian City in Terms of the Tradition

- Shinjō, S. (2014). *Perushiya kogen rioko-ki, Translated by Hashem Rajabzadeh*, Tehran: Tahouri (Text in Persian).
- Soltanzadeh, H. (2017). *Report on the research project of improving the cultural identity of Qazvin city by improving the facade and urban landscape based on the teachings of the Iranian islamic city*, Qazvin: Qazvin Province Municipal Design Services Organization (Text in Persian).
- Soltanzadeh, H. (2013). *Nain: city of historical millennium*, Tehran: Cultural Research Office (Text in Persian).
- Soltanzadeh, H. (2011). *Entry spaces in the traditional architecture of Iran*, Tehran: Cultural Research Office (Text in Persian).
- Stark, F. (1987). *The Valleys of the Assassins and other Persian travels*, Translated by Ali Mohammad Saki. Tehran: Scientific Publications (Text in Persian).
- Tabarsi, H.F. (2007) *Makarem al-Akhlaq*, Qom: Habib (Text in Persian).
- Tabatabaei, S.M.H(2010). *Tafsir al-Mizan*, Translated by Seyed Mohammad Bagher Mousavi Hamedani, vol.4. Qom: Society of Seminary Teachers of Qom (Text in Persian).
- Tavernier, J.B. (2011). *Voyage en perse*, Translated by Hamid Arbab Shirani. Tehran: Niloufar (Text in Persian).
- Tehrani, F., Shariat Panahi, M., Asadian, F. (2019). Investigating the characteristics of the clean city derived from the culture and characteristics of the Islamic city in Tehran. *New Attitudes in Human Geography*, 12(3), 491-512 (Text in Persian).
- Varmaghani H. (2021). An Analytical Approach to the Invitation quality of Contemporary Mosques (Case Study: Mosques of Tehran). *Journal of Researches in Islamic Architecture*, 9(1), 123-143. URL: <http://jria.iust.ac.ir/article-1-881-fa.html> (Text in Persian).
- Zare, S., Davodi-roknabadi, A., Karimnejad, M., & Dehghanharati, M. (2022). A Review of Unity in Indigenous Traditional Meybod indigenous Arts based on Islamic Art. *Iranian Civilization Research*, 3(2), 107-134 (Text in Persian).
- URLs:**
- URL1. <https://www.alibaba.ir/mag/jameh-mosque-of-yazd>, date access: 12/9/2022
- URL2. <https://dornatrip.com>, date access: 31/10/2022
- URL3. <https://farsicad.com/product/jameh-mosque-of-ardestan>, date access: 12/9/2022
- URL4. <http://naeincity.blogfa.com>, date access: 31/10/2022
- ture*), Tehran: Soroush in collaboration with Shahid Beheshti University (Text in Persian).
- Noghrekar, S., Moein Mehr, S. (2020). Suggest solutions for the effectiveness of "Islamic teachings on architecture courses" Case Study: Architectural Design Basics Courses Based on the four approaches approved by the Transformation Council of the Supreme Council of the Cultural Revolution: (Islamization, localization, efficiency and updating). *Journal of Researches in Islamic Architecture*, 8(3), 51-68. URL: <http://jria.iust.ac.ir/article-1-1354-fa.html> (Text in Persian).
- Nouri E, Eynifar A. (2021). Analyzing the Quality of in-between Spaces of Mosque and City: Comparative study of Entrances in Regional "Traditional and Modern" contemporary Mosque in Tehran. *Journal of Researches in Islamic Architecture*, 9(2), 1-18. URL: <http://jria.iust.ac.ir/article-1-1233-fa.html> (Text in Persian).
- Nouri Tabarsi, M.H. (1990) *Investigator of means and extractor of issues*, Qom: Al-Al-Bait (Text in Persian).
- O'kane, B. (2007). *Timurid architecture in Khorasan*, Translated by Ali Akhshini, Mashhad: Islamic Research Foundation (Text in Persian).
- Pope, A.U. (2009). *Persian architecture*, Translated by Gholamhossein Sadri, Tehran: Akhtaran (Text in Persian).
- Rahmatizadeh, A., Soltanzadeh, H., Etesam, I., & Maktabad Amyat, S. M. (2019). The role of environment and culture in the formation of Islamic tombs in the southern margin of the Caspian Sea. *Journal of Architectural Thought*, 3(5), 60-83. doi: 10.30479/at.2019.10608.1189 (Text in Persian).
- Rawlinson, H.C. (1983). *Notes on a March from Zahab to the foot of Zagros, along the mountain of khuzistan, (Susiana) and from thence through the province of Luristan to Kermanshah in the year 1836*, Translated by Sekandar Amanollahi Baharvand, Tehran: Agah (Text in Persian).
- Raymond, Andre. (1991). *The Great Arab cities in the 16th - 18th centuries an introduction*, Translated by Hossein Soltanzadeh, Tehran: Agah (Text in Persian).
- Richards, F.C. (2011). *A Persian journey*, Translated by Mahindokht Saba, Tehran: Scientific and Cultural (Text in Persian).
- Sadid al-Saltaneh Minabi Bandarabasi, M.A. (2014). *The Travelogue of Sadid al-Saltaneh (Al-Tadaqiq fi Seir al-Tariq)*, Edited and Updated by Ahmad Eghtedari, Tehran: Dr. Mahmoud Afshar Endowment Foundation (Text in Persian).
- Safa al-Saltaneh Naini, M.A. (2003). *Travelogue of Safa al-Saltaneh Naini (The masterpiece of Jurists)*, by Mohammad Golban, Tehran: Etela't (Text in Persian).
- Sajadi, S.J. (2014). *Dictionary of mystical terms and interpretations*, Tehran: Tahouri (Text in Persian).
- Shahbazi Shiran, H., Hosseini Nia, S.M., Hoseini Sadr, A. (2021). The effect of the thoughts of the Hurufieh cult on the selection of some themes of the inscriptions of the Blue Mosque of Tabriz. *Glory of Art (Jelve-y Honar)*, 12 (4), 60-73 (Text in Persian).

Content Analytical Approach on Historical Descriptions of the Entrance Space of Religious Buildings Based on the Principles of Islamic Culture ¹

Hosna VarmaghanI²

Received: 2022-05-17

Accepted: 2022-11-15

Abstract

Worship buildings in the historical cities of Iran are considered fundamental elements of urban structure and Islamic culture. The physical structure of these buildings and the formal and functional patterns of each of their components are the result of the intervention of various factors such as religious thoughts and beliefs, religious teachings and deep spiritual concepts. The entrance space has always had a special place in the thoughtful design of Iranian architects. Because in addition to its main function as an articulation space, visually and perceptually, it has also been the Interface space between a building and the urban space and a criterion for recognizing cultural and social identity. In religious places, this space is more important; since this communication node between the city and architecture is a symbolic place through which the values of Islamic culture, the beliefs of the community, religious teachings, and the characteristics of the Islamic city are represented. Accordingly, the entrance design becomes important. This facade can partially express the truths hidden in the religious teachings and principles, either in the form of calligraphy and motifs of the inscriptions, or by the height, proportions, and circumstances of the façade design.

Decorations are not only from the viewpoint of religious art, but also in accordance with the concepts of verses and hadiths. And the themes of phrases and poems engraved on the inscriptions contain religious teachings, moral rules and principles, mystical concepts, historical descriptions, and even jurisprudence assignments. The present article with the aim of revealing the aspects of the relationship between the basics of Islamic culture and the physical / functional perspective of the entrance of religious buildings, seeks to answer a main question: How have the principles of Islamic culture and teachings affected the appearance and functions of the entrance of historical religious buildings? By giving priority to the realigious principles and teachings in shaping the physical and functional structure of religious places, the present article first searches for these principles and teachings by examining religious texts and also the reflection

1. DOI: 10.22051/JJH.2022.40435.1797

2-Assistant Professor, Department of Architecture, Qazvin Branch, Islamic Azad University, Qazvin, Iran.

Email: h.varmaghani@qiau.ac

of these aspects in the Islamic architecture and city. Then it traces the aspects of this influence in the meaning and body of the historical building by examining local histories, biographies and travelogues in a historical context.

The research method is content analysis and the data collection method is through existing literature in library; by comparing the teachings and concepts of Islam extracted from religious texts with the historical texts describing the buildings of worship, the semantic and content causes and methods of shaping the input structure of the mentioned uses are analyzed.

In order to determine the research indicators while studying specialized texts, the theory of the Islamic city has been taken into account. In the theory of Islamic urban planning, it is stated that the verses of the Qur'an form the general rules of the Islamic city, and the hadiths of the Prophet (pbuh) determine the basic principles of the cultural and social values of the Muslim city, which have appeared in material form. The theory of the Islamic city is a broad topic that has been formed by philosophers and researchers in explaining the characteristics of the Islamic city, its values and principles, and has been cited in some contemporary researches. An Islamic city is a city that is formed on the basis of Islamic culture and Islamic rules. The dominant factor in the model of the Islamic city is the religion of Islam, and all aspects and indicators of the social and physical life of the city are organized and identified by it. An Islamic city is a city built on the foundations, principles and courses of the Qur'an and hadiths. The principles that should be considered in the design of the urban landscape of worship places are related to the features of the Islamic city on the one hand and to architectural design on the other hand. Thirteen indicators of research have been identified on three general components, including divine truths, religious teachings, and the principles of urban planning and Islamic architecture.

The research starts by recognizing the dimensions of Islamic culture in 2 categories of sources, including religious texts and specialized texts on Islamic architecture and urban planning. After deducing the indicators of the research, it deals with its various manifestations in the semantic and physical aspects of the historical buildings, and the contemporary viewpoint on the religious building construction. Since the main issue is in regards to the principles and teachings of Islamic culture- after thorough description of historical religious places- ancient texts, travelogues, and local histories are studied and the descriptions regarding the functional, physical, and spatial characteristics of religious uses have been analyzed in terms of their relationship with Islamic culture.

Present research is practical in terms of purpose; since it is trying to address one of the concerns of architecture and urban landscape by using the literature review, that is, the issue of repayment to the meaning and spirit that governs the body and the architectural space, and in this way, acquiring the Islamic Iranian identity in the urban landscape. Also, content analysis method has been used in the research; using library resources and relying on the theory of the Islamic city and its principles and components, numerous categories were extracted and then categorized into 13 indicators from 3 main components. And finally, the analysis of these foundations has been done in historical descriptions and architectural examples.

The results of the research clarify how the Islamic culture is reflected in the facade and landscape of the entrance of the ancient religious buildings through rereading the historical descriptions of these buildings in comparison with three influential components in religious architecture, including attention to divine attributes, general Islamic teachings, and the principles of urban planning and Islamic landscape. The entrance landscape of the historical religious buildings has many physical and functional features taken from the foundations of Islamic culture, which are placed under the semantic indicators defining truths, principles and teachings; so that multiple functional capacities have been provided in facade and the entrance landscape of the buildings with the aim of maintaining social values, religious education, guidance and providing security and human dignity. On the other hand, the aspects of the appearance meaning and the visual landscape of the buildings convey unity, holiness, purity and divine truths, which have been emphasized many times in the historical descriptions of the body of the buildings.

The results show that the entrance view of the historical buildings of worship has many physical and functional characteristics derived from the principles of Islamic culture in three sub-sections of meaning (unity, holiness, purity, respect for nature), function (guidance, providing security and peace of mind, preservation of social values, importance of endowment, respect for human beings) and body (strength and stability, painting and line, beauty and happiness) can be analyzed. Focusing on historical texts and comparison with religious concepts showed that European tourists mainly emphasized the objective/sensual aspects of the buildings, including geometrical decorations and plant motifs, lack of face painting, pleasuring and nature-oriented beauty, simplicity, grandeur, and the height of the building and the invisibility of the inner arena. While the historians of local history and Iranian tourists, with the foreknowledge of religious teachings, have focused on semantic aspects in addition to physical appearances, in other words, the description of physical/functional characteristics in order to show religious meanings and sacred concepts. In these descriptions, features such as the purity and sanctity of water, the sanctity of old trees, the ability to develop, the symbolic role of a function for the area and grandeur of the building, peace and psychological security, religious functions and the space for concentration and reflection have had a more obvious appearance. Both groups of texts show that each component of the landscape was formed with the aim of showing the dimensions of Islamic culture, and sometimes one component of the building served multiple purposes in this regard.

Keywords: Islamic Culture, Religious Buildings, Islamic City, Entrance View, Historical Buildings.